

رفیق پرویز نعمان و اوضاع و وظائف ما و مشگل تغذیه	گرسنگی و مشگل تغذیه	تروریسم در اروپا	۸۳ درصد ثروت جهان در اختیار ۹ درصد جمعیت	قبرستان نخبگان	تاریخ صدوپانزده ساله ی احزاب و سازمان های چپ متعلق به جنبش های سوسیالیستی، کارگری و کمونیستی ایران
صفحه ۷	صفحه ۸	صفحه ۹	صفحه ۱۱	صفحه ۱۹	صفحه ۱۹

برافراشته باد پرچم سرخ اول ماه مه



در اولین روز ماه مه - یازدهمین روز ماه اردیبهشت جهان را حکایتی است. هیچگاه در تاریخ مبارزه طبقاتی طبقه ای نبوده که د ارای تئوری رهایی خود باشد و در صف

متحد علیه دشمن طبقاتی خود از کارخانه گرفته تا میدان های نبرد نسل اندر نسل مبارزه کرده باشد. در چنین روزی بنا بر فرهنگ و تمدن کارگری، کارگران سراسر جهان با پرچم سرخ به میدان می آیند و جهان را سیمایی از آینده می بخشند.

در این روز احزاب چپ انقلابی مدافع استوار و پایدار کمونیسم علمی در پیشاپیش صفوف متحد کارگران بار دیگر عزم راسخ خود را برای ادامه ی انقلاب تا آخر اعلام می دارند.

کمونیستها آشکار در این روز همراه کارگران و دیگر زحمتکشان و همراه توده های وسیع ستمدیدگان که از سلطه سرمایه و امپریالیسم رنج می برند به میدان می آیند. کمونیستها در این روز با درک عمیق مسئولیت تاریخی طبقه **بقیه در صفحه دوم**

طبقه کارگر و جهان سرمایه

رفقا و فعالین کارگری اول ماه مه روز همبستگی مبارزاتی طبقه کارگر جهانی علیه سرمایه فرا می رسد. حزب رنجبران گرمترین تبریکات خود را به این مناسبت به شما تقدیم می دارد و به همه انقلابیون و آزادیخواهانی که برای رهائی، آزادی و عدالت اجتماعی در زندان ها و در زیر شکنجه های بورژوازی به مبارزه خود ادامه می دهند درود می فرستد.

مارش تاریخی طبقه کارگر برای انهدام نظم کهن با فرازونشیب هائی، اما همچنان ادامه دارد و بحران ساختاری سرمایه و مبارزات کارگران جهان شرایطی بس مناسب را برای انجام انقلابات اجتماعی بعد از یک دوره فترت آماده ساخته است. بحران چند دهه و بویژه دهه گذشته قطب بندی طبقاتی را در اکثر جوامع **بقیه در صفحه دوم**

مسئله بودجه در ایران

ایران یکی از بزرگترین کشورهای نفت خیز جهان و نیز یکی از بزرگترین و قدرترین کشورهای خاورمیانه است. در عین حال در شرایطی که خاورمیانه در میان کشت و کشتار ناشی از بمب گذاری های تروریستی و جنگ های نیابتی می سوزد، ایران از ثبات امنیتی نسبی برخوردار است. درآمد بالای دولت در ایران ناشی از تولید و فروش نفت در بازار بین المللی. دولت و کل ساختار سرمایه داری ایران را نسبت به کشورهای پیرامونی و جهان سومی از اطمینان و ثبات بیشتری برای بودجه بندی دولتی و غیر دولتی و حتی برنامه های ۳ و ۵ ساله برخوردار کرده است. ناشی از وابستگی بودجه ایران به نفت که براساس مقدار فروش و قیمت جهانی آن و تغییرات بازار بین ۸۵ - **بقیه در صفحه پنجم**

مبارزات کارگری در سالی که گذشت

حاضر دارند پیش بینی بحرانی شدیدتر از بحران سال ۲۰۰۸ را پیش بینی می کنند. برای اولین بار پول یوان به سبد ارزی جهان اضافه شد و باز هم از قدرت انحصاری دلار بیشتر کاسته شد. اوضاع سال ۲۰۱۵ نشان داد که جهان سرمایه بسوی رقابت و گسست های بیشتر و متعاقبا جنگ و خونریزی و فلاکت بیشتری برای مردم جهان بویژه مردم کشورهای پیرامونی گرایش پیدا می کند. جهان چند قطبی با تمام تلاش های آمریکا علیه آن ولی در حال شکلگیری است. و جهان امپریالیستی در حال تقسیم مجدد کشورها و بازارهای جهان بین خود است. بسیاری از تضادهای جدید سیاسی ناشی از بحران ساختاری سرمایه داری در سطح منطقه خاورمیانه و جهان پدیدار شده است بدون اینکه **بقیه در صفحه چهارم**

جنبش جهانی کارگری و اردوی کار در سالی که گذشت در عین مبارزه علیه سرمایه که اساسا بخاطر مبارزه علیه کاهش دستمزدها و تعرض سرمایه به سطح معیشت کارگران به طروق مختلف بود، اما در سطوح دیگر هم به مثابه درخواست های دمکراتیک عمومی توده های وسیع مردم، شرکت وسیع و گسترده ای داشت. در طی سال گذشته اکثر قریب به اتفاق اقتصادهای دنیا با تورم و گرانی سرسام آور اجناس و از این طریق خالی کردن جیب های مزدبگیران روبرو بود. بسیاری از کشورهای پولدار جهان همچون عربستان که برای دهه ها دارای میلیاردها دلار ذخیره ارزی بود با کسر بودجه های عظیم روبرو بودند. و اقتصاددانان سرمایه داری، با روندی که ساختاری های اقتصادی جهان در حال

برافراشته باد پرچم سرخ

بقیه از صفحه اول

کارگر یاد آور می شوند حزب و سازمانی جدا از طبقه کارگر نیستند منافعی جز منافع طبقه کارگر ندارند.

نود و پنج سال پیش طبقه کارگر در سال ۱۳۰۰ شمسی مطابق با سال ۱۹۲۱ میلادی اول ماه مه را با بر پا کردن تظاهرات و بر افراشتن پرچم سرخ به جامعه اعلام کردند. آنها به حاکمان مرتجع و ضد مردمی آشکارا اعلام کردند ما صف طبقه کارگریم و گورکن طبقه مالکان ارضی و سرمایه داران. از آن زمان تابحال این مبارزه ادامه یافته است و در عصر کنونی همچنان دو صف در جهان در برابر هم قرار گرفته اند: پرولتاریا و بورژوازی.

بورژوازی که چرک و خون از پنجه هایش می چکد بشریت را به لبه ی پرتگاه سقوط کشانده است. نگاهی به حاکمان جهان ببینید، دزدان بزرگ و کلاهبرداران حرفه ای بر سر قدرت نشسته اند.

در ایران ما چون بورژوازی در دوران امپریالیسم تکامل یافته است و در این چند دهه اخیر پوشش ارتجاعی تر دینی را به خود گرفته در عمل استثمار شدید را با استبداد مذهبی همراه کرده است. طبقه کارگر ایران در چنین او ضاع سیاسی و اجتماعی تجربه اندوخته و مبارزه خود را جلو برده است.

تکامل مبارزه طبقاتی در ایران مسیر بغرنجی را گذرانده است:

ویژگی جامعه ایران در این است که در دوره سلطنت باصطلاح متمایل به مدرنیته و سکورالیسم اکثریت مردم به رژیم اسلامی رای دادند و خمینی را سر کار آوردند و در دوره حکومت اسلامی که شب و روز رسانه ها اسلام را موعظه می کنند اکثریت مردم از اسلام و هرچه بنام دین و مذهب است رو برگردانند. در مورد طبقه کارگر هم یک ویژگی می بینیم که تا اندازه ای تاریخی است و شاید استثنایی. در همه کشورها کمونیست ها نقش تعیین کننده ای در سازماندهی تشکلات کارگری داشته اند و در ایران هم در آغاز همینطور بود اما پس از گذشت صد سال در عمل می بینیم کمونیستها با دهها تشکیلات و با ده ها مکتب و تفسیر متفاوت از کمونیسم در میدان هستند. تفرقه و گروهی گرائی سیمای عمومی جنبش کمونیستی و چپ کنونی امروز ایران است در حالیکه کارگران مسیر دیگری را طی کرده و می کنند. در سال گذشته حاکمان ضد

کارگر یکی از رهبران کمونیست گارگر را کشتند پیشروان و فعالان طبقه کارگر در داخل متحدن فقدان شاهرخ زمانی را به یک اکسیون مشترک همبستگی تبدیل کردند و در برابر طبقه بورژوازی فریاد زدند "شاهرخ معلم ماست راه شاهرخ راه ماست". اما در خارج که اکثریت احزاب و سازمانهای کمونیستی فعالند و دارای رسانه های متعددی هستند، با صفوفی پراکنده یادی از شاهرخ زمانی کردند. گروهی او را کمونیست ندانستند، گروهی بجای بزرگداشت، گرامی داشت را در بیانیه هایشان گذاشتند.

در امر دستمزدها هم همینطور است. سیزده تشکل کارگری امسال مستقل از کار فرما و دولت راست رقم ۳ و نیم میلیونی را بعنوان حد اقل دستمزد معین کردند و به جنبش کارگری اعلام کردند، پاره ای از احزاب و سازمان های کمونیستی آنرا ناممکن و غیر واقعی نامیدند و عملا همبستگی تشکل های داخل را بی ارزش جلوه دادند.

کافی است به سایت ها و پیام های کارگران متشکل و پیشرو نگاه کنید، کافی است به پیام زندانیان سیاسی کارگری توجه نمایید به این واقعیت تاریخی پی می برید کارگران و تشکل های کارگری پیشاپیش احزاب و سازمان های کنونی عمل می کنند.

این امر تاریخی است:

در این جشن و سمبل همبستگی جهانی کارگران جا دارد چپ های انقلابی، آنهایی که به کمونیسم علمی بعنوان علم رهایی طبقه کارگر اعتقاد دارند باید به وضع مشخص مبارزه طبقاتی ایران توجه کنند و همه فعالیت های خود را در خدمت جنبش کارگری داخل سوق دهند.

کلیه ی بیانیه های اول ماه مه کارگری نشانه ای از تلاش برای رسیدن به وحدت و تشکیلات است.

طبقه کارگر امسال برای برگزاری هر چه با شکوه تر روز اول ماه مه ی کوشش می کند.

یه پیشواز برگزاری هر چه با شکوه تر اول ماه مه برویم

سوسیالیسم تنها راه نجات است

زنده باد سوسیالیسم



طبقه کارگر... بقیه از صفحه اول

تشدید کرده، درگیری بین کارو سرمایه با اعتصابات و تظاهرات و درگیری های خیابانی رو به افزایش گذاشته است، تضاد دارودسته های امپریالیستی بر سر غارت و تقسیم جهان تشدید یافته و همه بلیه های اجتماعی و زیست محیطی ناشی از حرص و ولع سرمایه داری برای سود رو به افزایش است.

جهان با تشدید ستم و استثمار توسط اقلیتی ناچیز که هر روز کوچکتر می شود روبرو است. براساس آمار در حدود پانصد خانواده به اندازه کل جمعیت کره زمین ثروت دارند. این اختلاف فاحش در ثروت همراه است با کشت و کشتارهای انسان های بیگناه و ویرانی بسیاری از دستاوردهای بشری عمدتاً در کشورهای در بند پیرامونی. با گذشت زمان و تشدید رقابت انحصارات بزرگ جهان، عرصه برای حتی فعالیت های اقتصادی شرکت های متوسط سرمایه داری هم تنگ شده است. دولت های سرمایه داری با فروش اموال دولتی تحت عنوان خصوصی سازی، جامعه و بویژه طبقه کارگر را به تهیدستی و حتی بی قانونی خودنوشته سرمایه داری سوق می دهد، حقوق ها را پرداخت نمی کند، ورشکستگی های مالی قلابی، رشوه خواری، باند بازی، کلاه برداری از طریق بازارهای سهام و هزار دوز و کلک دیگر، سرمایه داری در روند خود همه را یا به تسلیم و یا به قهقرا می کشاند. در غیر این صورت این گورکنان سرمایه داری یعنی طبقه کارگراست که زندگی آینده بشریت را ترسیم خواهند کرد.

به هر کجای جهان انسانی نگاه می کنی ترس از آینده، عدم امنیت، سرکوب پلیسی و کشت و کشتار و تروریسم و بمب گذاری و وحشت، موج می زند، در جهانی که سرمایه داری به آن نظم داده است، آرامش به گذشته تعلق پیدا کرده است و فاصله طبقاتی در دریائی از خون و عرق زحمتکشان و کارگران رشد می یابد و فقر چهره زشت و غیر انسانی خود را به اقصا نقاط جهان گسترش می دهد. در کنار قصرهایی که قصر پادشاهان گذشته در برابرش مخروبه به نظر می رسد، محلات فقیری در بزرگترین شهرهای جهان شکل گرفته که در اتاق هایش حتی تا ۱۰ نفر یک شب را برای کار فردا به صبح می رسانند. وضع در کشورهای فقیر جهان از این هم به مراتب بدتر و غیر انسانی



سرمایه داری در طی چندین دهه گذشته نشان داده است هیچ نیرویی به غیر از طبقه کارگر قادر به جابجایی به حل مشکلات جامعه و از بین بردن نابرابری، ناعادالتی و بی حقوقی کارگران، زنان و نویسندگان و روشنفکران و جوانان نیست. مشکلاتی که از مالکیت خصوصی سرچشمه می گیرد و سرمایه داری و دولتش با تمامی قدرتش از آن دفاع کرده و می کند.

هر حزب و نیروی انقلابی، چپ و کمونیست بجز حرکت در مبارزه علیه پراکندگی، تشتت و اتحاد نیروهای مدافع طبقه کارگر تاریخی نخواهد توانست به این وظیفه تاریخی خدمت کند. استثمار و حشمتاک سرمایه داری علیه طبقه کارگر، شقاوت و بی رحمی و زیر پا گذاشتن تمامی مسائل انسانی، براه انداختن و دامن زدن به جنگ و خونریزی، رشد و گسترش ملیتاریسم، ستم بر ملیت های ضعیف، ستم مضاعف بر زنان و سرکوب طبقات تحتانی جامعه، رشد تولید و مصرف مواد مخدر، بی قانونی و از بین بردن امنیت اجتماعی و به ویرانی کشیدن طبیعی محیط زیست انسانی، رشد بازار سگس، ... مجموعه ای کوچکی از مسائلی هستند که نظام سرمایه داری را بشدت در بین مردم جهان ایزوله کرده و نه فقط طبقه کارگر بلکه اکثریت عظیمی از توده های مردم را برای مبارزه علیه خود آماده کرده است. اما در عین حال درس ها و جمع بندی ها از این مبارزات تاریخی ثابت کرده است که بدون رهبری طبقه کارگر و حزب همه این مبارزات می تواند به شکست کشیده شده یا در نیمه راه متوقف شده و به اهداف خود نرسد.

در عین اینکه سرمایه داری جهان خود را با تکیه به تبلیغات رسانه های مزدبگیر و وابسته، بسیار پر قدرت و محیط به جهان کنونی نشان می دهد اما جهان طبقاتی در حال فروپاشی تاریخی است. بحران های ساختاری در هر دوره تشدید و مدت آن افزایش یافته است. همانگونه که سرمایه داری از بحران های ساختاری دوره ای خود هرگز رهائی نخواهد یافت اما طبقه کارگر در حال درسگیری و جمع بندی و تجربه اندوزی از گذشته است تا با برطرف کردن اشکالات و ضعف های مبارزاتی خود نیرو گرفته و در مصاف های طبقاتی نقطه پایانی بر سیستم سرمایه داری گذاشته و دنیای نوین، سوسیالیسم را بنا کند. با تمامی بربریت سرمایه داری علیه طبقه کارگر، هیچ نیرویی نمی تواند جلوی حرکت طبقه کارگر برای انهدام نظم کهنه

تر است. در جهانی که می تواند تا ۷ برابر جمعیت کنونی را به لحاظ تغذیه و آموزش و مسکن تامین کند میلیونها انسان تا حد مرگ به گرسنگی دائمی دچار هستند. میلیونها کودک هر ساله ناشی از کمبودهای مواد غذایی می میرند و این آمارهای غیر انسانی بسیار طولانی است.

بورژوازی برای کنترل یک چنین سیستم غیر انسانی و استثمارگرانه، نیروهای امنیتی، زندان ها و دادگاهها را به همراه شکنجه و اعدام های رسمی، بودجه های هنگفتی را برای کنترل های الکترونیکی از طریق دوربین ها و غیره سازماندهی کرده است. سرمایه داری همچون اختاپوس چنگال های خود را در خصوصی ترین مناسبات اجتماعی تا زندگی خصوصی انسان ها فرو کرده و همچون سرطان تلاش دارد که مبارزه انسان قرن بیست و یکم را به زیر کنترل بگیرد. اما سود و رقابت افسار گسیخته و غیر قابل کنترل سرمایه داری گلوبال او را برای رسیدن به این هدف بامشکلات و مسائل عدیده ای روبرو کرده است. یکی از مهمترین آنها آگاهی انسان عصر کنونی و گسترش اعتراضات به سطح وسیع توده ای آن علیه سیستم های حاکمین جهان کنونی است. با هر قدمی که سرمایه داری برای کاهش دستمزد کارگران و درآمدها بر می دارد، میلیونها و میلیاردها دلار بر بودجه های نظامی اضافه می کند و بر طبل جنگ و کشتار بیشتر میکوبد. سرمایه داری نتولیرال کنونی ابعاد استثمار و بهره کشی از نیروی کار را بشدت افزایش داده و ثروت جهان را در دست عده ای قلیل از سرمایه داران و کمپانی های چند ملیتی متمرکز کرده است. سرمایه با رشد تکنولوژی نه تنها اجازه نمی دهد که از فشار و شدت نیروی کار کاسته شود بلکه آنرا به عاملی برای بیکاری توده های وسیع کارگر تبدیل کرده است.

اما برنامه های عینی که طبقه کارگر برای جامعه بشر دارد برعکس سرمایه داری رشد و بار آوری تکنولوژی و تولید را در خدمت بشریت خواهد گرفت و در این راستا کار را نه به عنوان یک ضرورت بلکه یک احتیاج طبیعی انسانی در خواهد آورد. طبقه کارگر با در هم شکستن سیستم استثمار انسان از انسان نه تنها به خواست تاریخی بشریت برای رهایی از ظلم و ستم و استثمار جامعه عمل خواهد پوشاند بلکه شرایطی فراهم خواهد کرد که انسان بتواند تمام توان خود را در خدمت جامعه بکار گیرد. همه برای یکی و یکی برای همه را متحقق خواهد کرد. طبقه کارگر با در هم شکستن نظام

سرمایه داری و جایگزینی آن با سوسیالیسم قدم های اولیه ای را برای انسان خوشبخت و آگاه و جامعه ای انسانی برخواهد داشت. اما برای درهم شکستن سرمایه داری باید در اولین قدم دولت های بورژوازی را از سر راه تکامل جامعه برداشت و دولت های تا دندان مسلح را در هم کوبید و سرنگون ساخت. فقط انقلاب اجتماعی کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه داری جواب علمی و عینی در جهت حل معضلات و مشکلات جامعه سرمایه داری است. انقلابی که سوسیالیسم را جایگزین سیستم اسارتبار سرمایه داری خواهد کرد.

در اوضاع کنونی هیچ چیز دیگری بجز پراکندگی و عدم وجود عناصر ذهنی آگاه متشکل در احزاب کمونیست و عدم پیوند های طبقاتی بین نیروهای کمونیست و جنبش کارگری در سطح جهانی جلوی حرکت طبقه کارگر را سد نکرده است. با حل این مشکل مرکزی طبقه کارگر قادر خواهد شد حرکت تاریخی خود برای سرنگون ساختن رژیم های امپریالیستی و دولت های مرتجع جهان سومی در راستای این وظیفه تاریخی ادامه دهد. در عین اینکه این هدف تاریخی طبقه کارگر نجات بشریت را بدنبال خواهد داشت ولی راهی است بس سخت و خونین. سرمایه داری و رژیم های حامی آن تا دندان مسلح و بطور دائم در حال از بین بردن ایده های انسانی، طبقاتی و علمی و جایگزینی آن با خرافات، اخلاقیات اندیودالیستی و مجازی سازی جهان واقعی هستند. مبارزه علیه تفکرات بورژوازی و خرده بورژوازی تا مبارزه رو در رو در عرصه های نظامی، فرهنگی، سیاسی و جزئی از این مبارزه عظیم جهانی است که فقط با مبارزه متحد پرولتاریای ملی و بین المللی امکان پذیر است.

طبقه کارگر در ایران تحت سلطه رژیم اسلامی سرمایه با بی حقوقی چه در قانون اساسی و چه به لحاظ درآمدها روبرو است. رژیم جمهوری اسلامی یکی از ضد کمونیست ترین و ضد کارگرترین حکومت های دنیا، رژیم مرتجع و قرون وسطائی است که پرویرانه های حکومت دیکتاتوری سلطنت به قدرت رسید. این رژیم امسال هم با تعیین یک سوم حداقل درآمد، فقر، استثمار بیشتر، بردگی مجددی را بر طبقه کارگر ایران تحمیل کرده است. بدون سرنگونی و درهم شکستن دولت سرمایه داری در ایران هیچ تغییر پایه ای در خدمت رفاه و خوشبختی مردم ایران متصور نیست. دست به دست شدن قدرت توسط جناح های مختلف

زنده باد اول ماه می روز همبستگی مبارزاتی طبقه کارگر جهانی



سرمایه داری و پی ریزی سوسیالیسم را بگیرد. سرمایه داری فقط می تواند با فریب و سرکوب و کشت و کشتار آنرا به عقب بیاورد.

سرمایه داری با همه تبلیغات عوامفریبانه اش علیه سوسیالیسم، نتوانسته است درخواست های اساسی طبقه کارگر را لا پوشانی کند، نفی استثمار انسان از انسان، پایان دادن به ستم و استثمار و جوامع طبقاتی و رهایی انسان از قید و زنجیر های بردگی سرمایه داری و دهها درخواست مترقی دیگر برای رهایی انسان کنونی از جوامع بردگی که سرمایه داری براه انداخته است، راه گشای مبارزات همه کارگران، انقلابیون و نیروهای مترقی در مبارزه بخاطر دنیایی بر اساس حق و حقوق طبقاتی و آزادی انسان است، دنیایی که بر پرچم آن نوشته شده است " از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه کارش".

پرولتاریای جهان متحد شوید

زنده باد طبقه کارگر،

پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست ایران

مرگ بر امپریالیسم .

سرنگون باد رژیم ضد کارگر جمهوری

اسلامی

زنده باد انقلاب زنده باد سوسیالیسم

حزب رنجبران ایران

۲۰۱۶/۵/۱



مبارزات کارگری... بقیه از صفحه اول

از شدت تضادهای گذشته کاسته شده باشد، بطور مثال برخی از کشورهای اروپای شرقی در حال مخالفت های جدی با اتحادیه اروپا و سیاست های این اتحادیه علیه " متحدین شرقی " هستند. به همین دلیل آمریکا تحت عنوان دفاع از مسئله اوکراین در حال تجاوز به این کشورها تحت عنوان تقویت و آموزش فرستادن تعداد بیشتری نیروی نظامی و اسلحه به آن مناطق است. شاخ شانه کشیدن آمریکا با چین و روسیه در عرصه نظامی اشکال جدی تر بخود گرفته است. در زمینه رقابت مالی بعد از مدتها کشمکش بانک جهانی با بانک توسعه آسیا که توسط سرمایه چینی پایه گذاری شده است، بالاخره توافقاتی بانکی اولیه ای انجام گرفته است که عمدتا در جهت آمادگی برای رقابت های آینده است.

مبارزات کارگران در قاره های مختلف جهان به اشکال مختلف از اعتصابات عمومی، تظاهرات، بستن جاده ها، درگیری با پلیس، متوقف کردن تولید، بیرون کردن مدیران از محل های کار، پخش اطلاعاتی و اعلامیه های مختلف، تحصن های محدود و... ادامه داشت. کارگران یونان بعد از یک دوره انتظار مجددا علیه درخواست های بانک جهانی و بانک اروپا و نیز سیاست های دولت سیریزا به خیابان ها آمدند. کارگران در آمریکا و انگلیس برای حداقل دستمزد تحصن های یک روزه ای را اعلام کردند. دانشجویان و خانواده های آمریکائی برای مجانی کردن آموزش و مقابله با سیاست های دولت آمریکا به خیابان ها آمدند. پلیس بسیاری از دانشجویان را دستگیر کرد. در استرالیا با برملا شدن استخدام کارگران با ساعتی ۲ دلار در فروشگاههای زنجیره ای "سون اله ون" مسئله استفاده غیر قانونی سرمایه داران از کارگران خارجی بازم "خبرساز" شد. با نگاهی به این مبارزات در میابیم که کارگران در اقصا نقاط جهان مبارزات خود را براساس شرایط جامعه خود جلو می برند ولی جای حضور یک انترناسیونال پر قدرت بین المللی برای هماهنگ کردن این مبارزات بشدت خالی است.

در چین کارگران برخی از معادن دست به تحصن زدند و خواهان شرایط بهتر کار و بالا بردن دستمزدها شدند. در سوریه دولت اسلامی با ربودن ۱۵۰ کارگر کارخانه سیمان در اطراف حلب و قتل عام ۵۰ نفر از آنان جنایت دیگری علیه کارگران آفرید. در مصر اعتراض نسبت به فروش جزایر مصر به عربستان ابعاد اجتماعی گسترده ای یافت. در ترکیه کشتار مخالفان حکومتی از نیروهای چپ تا طرفداران حقوق کردها همچنان ادامه دارد. و بمب گذاریها در اقصا نقاط فقیر جهان خواب راحت را از مردم گرفته است. در سال گذشته شاهد هجوم صدها هزار پناهنده از اروپا و آفریقا به کشورهای اروپائی به مثابه نیروی کار ارزان بودیم. که در بحران اقتصادی که اروپا را در بر گرفته به یک کشمکش سیاسی بین دول اروپائی و آفریقائی و ترکیه تبدیل شده است.

بعلت ضعف جنبش کارگری سرمایه داری در حال باز هم قطع بیشتر خدمات عمومی در جوامع انسانی است. سن بازنشستگی باز هم در حال افزایش است. و کارگران سالخورده باز هم مجبور به کار بیشتری برای سرمایه هستند. در اکثر کشورهای

جهان حقوق اولیه انسانی بیشتر یک تبلیغات سیاسی است و هیچ دولتی خود را جوابگو و مسئول زندگی در سطح استانداردهای شناخته شده جهانی انسان در کشورش نمی بیند. شرکت ها و کمپانیهای بویژه فراملی در کشورهای گوناگون حتی برای دولت ها بزرگ جهان هم خط و نشان می کشند. فروش منابع ملی (که اساسا نتیجه نیروی کار طبقه کارگر است)، تحت عنوان خصوصی سازی در اکثر کشورهای جهان ادامه دارد. بعلت استثمار شدید نیروی کار و نابرابریهای بشدت افزایش یابنده اجتماعی، خواست عدالت اجتماعی به یک درخواست وسیع توده ای در سطح جهان تبدیل شده است.

در سال گذشته پرونده فسادهای گسترده مالی حاکمین و دولتمردان بسیاری از کشورها علنی شد، همچنانکه کشته شدن هزاران نفر در بمب گذاری های کور در خاورمیانه با کم اهمیتی در رسانه های غرب مواجه بود ولی ترورهای اروپا همراه بود با تبلیغات " مبارزه علیه تروریست ها" که مدتها در صدر خبرهای جهان بود.

در ایران با صدها مورد تظاهرات و اعتصاب و تحصن کارگری و تحرک تشکلات مستقل روبرو بودیم. فعالین کارگری همچنان در زندان هستند و رژیم اسلامی با بهانه های مختلف با طولانی تر کردن مدت زندانی آنها و نیز فشار به فعالین کارگری بیرون از زندان محیط بشدت اختناق آور و پلیسی را برای جامعه بویژه جنبش کارگری بوجود آورده است. اعدام ها همچنان ادامه دارد و اختلاف طبقاتی بشدت افزایش یافته است. شمال شهر تهران با روستاهای مرزی بلوچستان در دو دنیای کاملا متفاوت زندگی می کنند که قابل قیاس نیستند. فقر بی از اندازه در روستاها در کنار قصرهای رویائی شمال شهر تهران از گسترش فقر از یک طرف و تمرکز ثروت و سرمایه در دست عده معدودی در جامعه حکایت دارد. مسئله اعتراضات معلمان و پرستاران کشور بازم به اعتصاب و دستگیری های متعدد کشیده شد. همچنان بورژوازی هزاران واحد تولیدی را به تعطیل کشیده است و اخراج ها و تحمیل قراردادهای سفید امضاء ادامه دارد. جنبش کارگری و تشکل های مستقل آن متحدانه علیه مصوبه بشدت ناعادلانه شورای عالی کار مبنی بر حداقل دستمزدها برای سال ۹۵ معادل یک سوم خط فقر ایستادند. امسال تعداد حرکات و فعالیت های جنبش کارگری از پارسال پربار تر بود، در عین حال تشکل های مستقل

متحد با کارگران در مبارزه بخاطر کمپین ۳,۵ میلیون حداقل دستمزد



آن متحدانه تر و بهتر عمل کردند. مجموعه این فعالیت ها نشان می دهد که طبقه کارگر ایران همانطور که در چند سال گذشته نشان داده است ، همچنان در عرصه های مختلف صنفی و سیاسی در حال تشکل یابی و انسجام بیشتر برای تغییرات آینده است

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است
ع غ

مسئله بودجه ایران بقیه از صفحه اول

۵۰ درصد بوده است. این وابستگی به نفت در عین اینکه دست سرمایه داری ایران را برای بسیاری از مسائل اقتصادی باز کرده است ولی بعلت اینکه بازار نفت هنوز هم در کنترل کشورهای غربی و کمپانی های آنان است ، در کشمکش های سیاسی و نظامی می تواند یک عنصر بازدارنده و بحران زا باشد.

تحریم اقتصادی ایران و فشار غرب برای کنترل بازارهای نفتی ایران در زمان دکتر مصدق و هم در زمان رژیم جمهوری اسلامی تجربه شده اند که تقریباً هر دو با موفقیت نسبی همراه بودند. البته رژیم جمهوری اسلامی بعلت سیاست های بلندپروازانه اش در خاورمیانه و نیز خلع

سلاح نفتی کردن مخالفانش سعی دارد که از وابستگی بودجه ایران به نفت بکاهد. در سال ۱۳۹۴ وابستگی ایران در بودجه به پول نفت ۳۹٫۴ درصد بود و دولت روحانی اعلام کرده است که این وابستگی امسال به ۲۵ درصد خواهد رسید آنها هم با نفت بشکه ای ۴۰ دلار.

در بررسی بودجه ای که امسال به مجلس از طرف دولت برده شده. نسبت به سال گذشته ۱۳ درصد رشد دارد. بیشترین رشد به بودجه عمران با ۸٫۳ درصد رشد اختصاص دارد. بودجه نظامی ۸-۸٫۵ درصد بودجه را می بلعد و بودجه فرهنگی ۱ درصد و از هزینه های عمومی ۴ درصد دریافت می کند. سهم بودجه آموزش و پرورش از ۲۴ هزار میلیارد به ۳۰ هزار میلیارد تومان رسیده است که رشد ۸ درصدی را نشان می دهد.

منبع سایت ایران آنلاین - سایت های مختلف داخلی آمارهای مختلفی با اعداد تقریبی نزدیک به هم منتشر کرده اند-

دولت اعلام کرده است که تورم برای سال ۹۵ نزدیک به ۱۱٫۳ و رشد اقتصادی ۵ درصد خواهد و در صد بیکاری ۱۲٫۸ خواهد بود.

افزایش حقوق کارمندان ۱۲ و کارگران ۱۴ درصد است. بیشترین افزایش را بر طبق گزارش سایت ها وزارت ارشاد دریافت می کند که از زیرمجموعه هایش نهادهای حوزه

علمیه و نماز جمعه و غیره می باشد. مجموعه ای از ارگانهای واقعا انگلی و سربار جامعه . سهمی بسیاری از نهادها هنوز دقیقاً روشن نیست مثلاً سهم نهادهایی مثل شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و یا مجلس خبرگان و ارگان های دیگری که سهم از بودجه دولتی می گیرند. نه تنها این ارگانها بلکه صدها ارگان ریز و درشت دیگر که وظایفی در همین حدود دارند و نه سهمی در تولید و بارآوری و نه وظایفی در خدمت به مردم دارند نه خود را وابسته به قوای سه گانه می دانند و جوابگوی هیچکس بجزء خامنه ای و دارودسته اش نیستند. خبر آنلاین آمارزیر را آورده است.

در میان نهادهای سیاسی، وزارت اطلاعات بیشترین بودجه و دبیرخانه مجلس خبرگان کمترین بودجه را دارند. بودجه مجلس شورای اسلامی و سپاه پاسداران نیز نسبت به سال گذشته کاهش یافته است. به جز این دو نهاد، نهادهای سیاسی دیگر با افزایش بودجه مواجه شده اند.

روشن است که آمارهای بالا آن آمارهایی است که رژیم جمهوری اسلامی رسماً اعلام کرده است ولی بهر رو با همین آمار هم می توان دریافت که مقدار افزایش بودجه ای که دولت روی آن حساب باز کرده اساساً از پول های بلوکه شده دریافتی از خارج است. به دلیل آنکه خرج و دخل بودجه صرفاً با نفت بشکه ای ۴۰ دلار جوابگوی افزایش

عنوان	بودجه مصوب سال 94	لایحه بودجه سال 95	درصد تغییرات
منابع عمومی	236 هزار میلیارد تومان	268 هزار میلیارد تومان	13
سهم نفت	56 هزار میلیارد تومان	66 هزار میلیارد تومان	17
سایر منابع درآمدی	180 هزار میلیارد تومان	201 هزار میلیارد تومان	12.2
بودجه عمرانی	31 هزار میلیارد تومان	57 هزار میلیارد تومان	83
نرخ دلار	2850 تومان	2997 تومان	5.15
قیمت نفت	53 دلار	35 تا 40 دلار	-24



هزینه ها نیست. ثانیاً بیشترین افزایش را بودجه عمران دارد که اساس قراردادهای دولتی و فساد مالی هم در همین زمینه خوابیده است. به سخنی دیگر این بودجه ریختن پول به جیب های گشاد کمپانی هایی است که آقا زاده ها می گردانند و قرار است به طرح های عمرانی کمک کند. بخش دیگر بودجه به مسائل نظامی اختصاص یافته که ۸,۳ در صد است. جدا از اینکه واقعا چه مقدار از این بودجه نظامی احتیاج واقعی کشوری مانند ایران است. فشاری که این مقدار هزینه بر اقتصاد کشور می گذارد فقر را برای مدتها همچنان بر مردم ما تحمیل خواهد کرد و منابع عظیم انسانی و مالی را به هدر خواهد داد. ولی بجای آن می تواند نیروهای نظامی را پشت سر حاکمین متحد نگاه دارد و این یک نکته قوت برای رژیم است که هر چه بیشتر مورد تنفر مردم قرار گرفته و به نیروهای سرکوبگر از جمله نیروهای نظامی بیشتر وابسته می شود.

وزارت اطلاعات به مثابه یکی از دستگاه های سرکوبگر امنیتی رژیم علیه مخالفان در میان نهادهای سیاسی (وزارت اطلاعات آیا یک نهاد سیاسی است؟) بیشترین بودجه را دریافت می کند. در واقع رژیم با توجه به رشد و گسترش اعتراضات عمومی با تقویت این نهادها سرکوبگر قصد خفه کردن این اعتراضات را در نطفه داشته و برای آن بودجه تقویتی در نظر گرفته است. بودجه همه ارگان های نظامی ۱۵ در صد افزایش داشته است

دولت روحانی تورم برای سال آینده در بودجه ۹۵ را ۱۱,۳ پیش بینی کرده است ولی حتی کسانی که با مسائل اقتصادی آشنا نیستند ولی در ایران زندگی می کنند بالارفتن سرسام آور اجناس را بصورت روزانه می بینند و به این نوع آمارها با تمسخر می نگرند. وضع اقتصادی مردم بویژه کارگران و زحمتکشان هر روز بدتر و سفره های خالی تر می شود. و سخنان پوچ انتخاباتی حاکمین مخصوصا روحانی در رابطه با سطح زندگی مطابق با شئون انسانی بیشتر افشاء می شود.

بودجه سال ۹۵ از ۵ در صد رشد اقتصادی به همراه ۱۲,۸ در صد بیکاری یاد می کند. بر طبق آمارهای دولت نرخ بیکاری در سال ۹۴ نزدیک به ۱۰,۷ بوده است. دولت ادعا می کند که نرخ بیکاری رشد می کند ولی اقتصاد ایران از رشد ۵ درصد برخوردار خواهد شد. مفهوم آن یعنی اخراج های دسته جمعی بیشتر و افزایش فشار بر نیروی کار برای تولید و ایجاد درآمد بیشتر برای

بنگاههای سرمایه داری خواهد بود. برخی از سایت های غیر دولتی رشد اقتصادی را ۰,۸ و تورم را ۱۰,۷ اعلام کرده اند که حتی با این اختلاف فاحش آماری باز هم چیزی در رابطه با مسئله اخراج ها عوض نخواهد شد. وقتی اعلام می شود که کارگران ایران در سال گذشته ۴۹ ساعت در هفته کار کرده اند، مفهوم آن شدت وحشتناک، بر فشار کار اضافی کارگران برای لقمه ای نان است. حال با در نظر گرفتن نرخ بیکاری ۱۰,۷ در سال گذشته چنین فشاری بر کارگران وجود داشته اما در سال جدید که نرخ بیکاری به ۱۲,۸ می رسد یعنی فشار باز هم بیشتر خواهد شد. با توجه به پایه حقوق، هر خانواده کارگری برای تامین حداقل زندگی محقرانه باید دو نفر و دو شیفته کار کنند. بودجه سال ۹۵ برای کارگران یعنی مقدار دستمزد دریافتی واقعی کمتر و شدت کار بیشتر خواهد بود. این بودجه نه تنها به تعدیل ثروت در جامعه نمی انجامد بلکه اختلاف فقر و ثروت و در آمد را هرچه بیشتر کرده و همراه آن تضادها و اختلافات طبقاتی را شدت می بخشد. این نتیجه گیری نه بر اساس آمارهای خارجی بلکه براساس گفته ها و نوشتارهای رژیم اسلامی است. این نتیجه گیری هنوز فساد های دولتی زود بند های پشت پرده و دزدی های میلیاردی از بودجه سال ۹۵ را شامل نمی شود.

مسئله دیگر در بودجه مسئله تورم ۱۱,۳ در صدی اعلام شده توسط دولت است. برخی روزنامه های داخلی با این حکم غلط اقتصادی که رشد اقتصادی تورم زا است. تورم و گرانی و انبساط اقتصادی را همپایه قرار می دهند. در حالیکه رشد اقتصادی شامل رشد تولید و مبادلات تولیدات صنعتی و فرهنگی در سطح ملی و بین المللی و شتاب سیکل سرمایه (فعال بودن سرمایه در گردش و بازآوری رو به رشد آن) مفهوم واقعی خود را در رشد اقتصادی سرمایه داری کلاسیک می یابد. اما در دوران سرمایه گلوبال بورس بازی ، سرمایه گذاری خارجی در بازارهای مسکن ، ارز و بورس و سهام بعلاوه درصد کمتری از تولید ، مقدار رشد را نشان می دهد. که در اصطلاح عامیانه با آن رشد بادکنکی می گویند. دولت ها برای بسط گسترش اقتصادی بصورت مصنوعی و بدون هیچ پشتوانه ای اقدام به چاپ پول می کنند تا تحرک اقتصادی بوجود بیاورند. ولی در واقع وقتی که اقتصاد دچار رکود و بحران است اضافه نقدینگی پیش می آید و نه در شرایط رشد واقعی اقتصادی. روزنامه های اقتصادی

با براه انداختن این بحث غلط در واقع در حال آماده سازی فکری مردم برای تورم و گرانی بیشتر در سال ۹۵ هستند.

بودجه سال ۹۵ در زمینه آموزش و پرورش هم ادامه سیاستی عقب مانده و غیر علمی است. با اینکه افزایش بودجه در این وزارت خانه ۸ در صد است. اما پیشاپیش وزیر آموزش و پرورش از کمبودهای عقیدتی در آموزش و پرورش از بالا بردن سهم کار فرهنگی و نه علمی سخن رانده است. به بیان دیگر این افزایش به بالا رفتن سطح علمی دانشگاهها نه تنها کمکی نخواهد کرد بلکه سهم آموزش خرافات و مذهب را در درس و جایگاه های مختلف آموزشی بالا خواهد برد.

اما سهم بودجه در زمینه فرهنگ که به کتاب ، سینما ، هنر ، ادبیات و برمی گردد تنها ۱ درصد است. در حقیقت این بودجه هیچ جایی برای رشد فرهنگ مترقی نگذاشته است. ولی با بیشترین افزایش در بودجه وزارت ارشاد، تلاش کرده است سهم تبلیغات مذهبی و خرافی کردن مردم را بالا ببرد.

بودجه سال ۹۵ نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از مسئله برجام و شروع تحرکات سیاسی و بعضا اقتصادی ، دولت فعالیت های اقتصادی را به بخش های خصوصی ولی مسائل سیاسی را کاملاً در حیطه خود نگاه خواهد داشت ، کمپانی های دولتی و غیر دولتی با دست های بازتری در چپاول دسترنج کارگران و زحمتکشان عمل خواهند کرد. و در فضای سیاسی و سرکوب دولت شدیدتر و با برنامه ریزی بیشتری آنرا جلو خواهد برد.

بخش دیگری که معمولاً در همه کشورهای جهان وجود دارد بخش مخفی بودجه های دولتی است. که در ایران هم همیشه بوده است. اما در کشورهای قانونمند سرمایه داری مقدار آن علنی نیست ولی ارگانهای استفاده کننده روشن هستند و جوابگو نسبت به دیگر نهادهای بالای اقتصادی و یا سیاسی دولت ها . اما در ایران این نوع بودجه ها عمدتاً در دست خامنه ای و شرکا است و آنها هیچگونه گزارشی ارائه نکرده و نمی کنند. نمونه سال های قبل است که این بودجه ها از طریق پسر خامنه ای ، مجتبی خامنه ای صرف زد و بندهای مالی ، پولشویی و ذخیره در بانک های خارجی شده است. در این زمینه امیر خسروی وقتی در دادگاه خود به فساد مالی متهم شد. انگشت اتهام را به طرف مجتبی خامنه ای برگرداند. دهها مورد دیگر که گاهگاهی رو می شود

آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی و فعالین کارگری



رفیق پرویز نعمان

جنبش کمونیستی- کارگری ایران یکی از فرزندان دیرینه پایدار و زحمتکش خود را از دست داد. رفیق پرویز نعمان دبیر سالهای پرشور کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی بعد از یک بیماری طولانی در آکسفورد ما را برای همیشه ترک گفت. برطبق خواست خودش خاکسترش را به امانت در آرامگاهی که کارل مارکس در آن غنوده است در "های گیت" لندن گذاشتند.

رفیق پرویز نعمان یکی از بنیانگزاران سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج کشور بود و در کنفرانس تدارکی مونیخ در سال ۱۳۴۳ به نمایندگی تشکیلات حزبی فرانسه جدا شده از رهبری حزب توده شرکت کرد. وی در سال ۱۳۴۴ وظیفه دبیری کنفدراسیون جهانی در بخش فرهنگی را در چهارمین کنگره کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی را بعهده گرفت.

درگذشت وی ضایعه‌ی برای جنبش چپ و سوسیالیستی ایران محسوب می شود. ما خود را در غم خانواده و بستگان و آشنایان پرویز شریک می دانیم.

حزب رنجبران ایران

۲۰۱۳/۴/۱۵



به تارنما های

اینترنتی حزب

رنجبران ایران

مراجعه کنید و

نظرات خود را در

آنها منعکس کنید!

نظامی و مذهبی خواهد شد. این بودجه ای نه تنها تعدیل کننده ثروت اجتماعی بین افراد نیست بلکه شکاف های طبقاتی را گسترش خواهد داد و فقرا را فقیر تر و ثروتمندان را ثروتمندتر خواهد ساخت.

مسئله بودجه در یک کشور مسئله حفاظت از سیستم اجتماعی حاکم و تامین مالی آن است. در مسئله بودجه در ایران هم همین حکم صادق است. این بودجه تلاش دارد تمام احتیاجات مالی نهادهای بورژوازی مذهبی را تامین کند. مبنا این بودجه که بر اساس سود و بهره کشی از طریق مالیات و ارزش اضافه و.....تنظیم شده است با بودجه ای که طبقه کارگر در سوسیالیسم برای یک جامعه در نظر خواهد گرفت یک تفاوت پایه ای دارد. بودجه در نظام سوسیالیستی در خدمت تولید کننده گان و زحمتکشان جامعه و علیه سیستم استثمار انسان از انسان خواهد بود. در حالیکه بودجه امسال رژیم جمهوری اسلامی بودجه یک دولت عقب مانده سرمایه داری در دنیای پرشتاب و انحصاری کنونی است. بودجه ای که رنج و محنت فرودستان جامعه را به همراه ثروت بیشتر برای بالا دستان جامعه را به همراه خواهد داشت.

ع غ



با قدردانی از کمکهای

مالی رفقا و دوستان

به حزب ذکر این نکته

را ضروری می دانیم

که تکیه ی حزب

به اعضاء وتوده ها

در پیشبرد مبارزه

طبقاتی، روشی

انقلابی و پرولتاریائی

است در حفظ استقلال

سازمانی و جدا نشدن

از طبقه کارگر و

توده ها

حکایت از همین بودجه های مخفی و قراردادهای پرسود تجاری و کلا اقتصادی دارد که کاملاً حیف و میل شده و برباد می رود.

بودجه سال ۹۵ همچنان یک بودجه مصرفی و تجاری و خدماتی و نه تولیدی - صنعتی است. این بودجه نظامی و اطلاعاتی است این بودجه هیچ امکانی برای آزادی های فردی نه تنها باز نمی کند بلکه بابالا بردن بودجه نهادهای انگلی اسلامی جلوی آزادی های اجتماعی را بیشتر خواهد گرفت. همانطور که گفته شد در بسیار موارد این بودجه صرف ارگان های انگلی مثل نهادهای رهبری و حوزه های علمیه قم و غیر می شود که اساساً در خدمت نیروهای ارتجاعی و هیچ ارتباطی به درخواست های واقعی اجتماعی نداشته و فقط به پروارتر شدن قشر روحانیت طبقه سرمایه دار حاکم مذهبی کمک خواهد کرد. قشری که در نه تنها شرایط کنونی بلکه قرن هاست که همچون بختکی بر سر جامعه ایران سنگینی می کند.

تامین بودجه سال ۹۵ عمدتاً از منابع مالیاتی، فروش نفت و سهام موسسات تولیدی خدماتی دولتی است، فروش موسسات دولتی یعنی خصوصی سازی و حیف و میل بورژوازی غیر دولتی از قیل بودجه دولتی. آمارها از رشد ۸ تا ۲۰ در بالا رفتن مالیات ها حکایت دارد. در یک جامعه رشد و بالا رفتن مالیات ها موید دو نکته است. اولاً دولت با کسر بودجه عمومی روبرو است دوماً بودجه های مالیاتی عمدتاً تورم زا هستند و باعث گرانی شده و خدمات اجتماعی با کاهش عمومی روبرو خواهد بود. روشن است که همه تبعات تورم و کسری بودجه متوجه کارگران و زحمتکشان جامعه است. در عین حال این بودجه ای که سیاست بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در رابطه با خصوصی سازی را ادامه خواهد داد. سیاست اقتصادی که کاملاً با باز شدن درهای اقتصادی ایران برای غرب پس از برجام و سرمایه گذاری اقتصادهای بین المللی در ایران را کاملاً تسهیل نموده و با آن همخوانی و همگامی دارد.

بودجه ۹۵ از کانال های مختلف از افزایش مالیات ها تا افزایش تورم و بودجه ارگان های مذهبی و غیره نشان می دهد که بارتیه این بودجه بر دوش مزدبگیران جامعه و منابع زیرزمینی و نیزبذل و بخشش های آن نسیب سرمایه داران بخش های مختلف دولتی و بویژه خصوصی و داد و ستدهای شرکت های بزرگ با خارج، نهادهای



اوضاع و وظائف ما

یکم
هیچگاه در تاریخ مبارزات طولانی طبقه کارگر در جامعه‌ی ما، درد ورنج اکثریت عظیم توده‌های زحمتکش ناشی از استثمار آنقدر وسعت و عمق نداشته، جنبشی به عظمت امروزی از طبقه‌ی کارگر با فعالینی چنان آگاه، مبارز و استوار برای طبقه‌ی خود، در صحنه‌ی مبارزات طبقاتی بر نخواست است. پنجاه میلیون خانوار کارگری، نیروی بس عظیمی است که سرنوشت انقلاب پیش روی ما را ورق خواهد زد. این وضع مهمترین و برجسته‌ترین خصوصیات کنونی زمانه ما است. درک این واقعیت برای انقلابیون و گرایش‌های مارکسیستی کلید هرگونه برنامه‌ریزی و عمل سیاسی در مبارزات جاریست. همهی وظائف و فعالیت‌ها باید با این معیار سنجیده شود: آیا به امر تکامل جنبش در حال رشد کارگری کمک می‌کند؟ آیا به وظیفه‌ی سگانه‌ی سازماندهی پرولتاریائی یاری می‌رساند- یعنی سازماندهی پیشروان جنبش کارگری و سوسیالیستی در حزبی انقلابی و مسلح به تئوری علمی کمونیسم، یعنی سازماندهی توده‌ی وسیع کارگران در تشکیلاتی متحد و سراسری و بلاخره سازماندهی وسیعترین توده ستمدیده‌ی وفرو دست در جبهه‌ی نود و نه درصدی‌ها. در برابر این اوضاع کمونیستها و انقلابیون چپ قرار دارند که از ویژگی تاریخی جنبش کارگری کمونیستی ایران برخوردار است. آگاهی به این موضوع و شناخت صحیح این جنبش به امر خدمت به نکته‌ی اول که تاکید شد خدمت شایانی می‌کند. ویژگی این جنبش اینست که صد سال مبارزه در پشت خود دارد، بنام کمونیست آشکارا در صحنه بوده و نقش فعال در کلیه شئون اجتماعی ایران در حال تغییر داشته است، در کلیه‌ی امور سازماندهی، سه زمینگی بالا که اشاره شد کار کرده و تجربه اندوخته است، در سطح جهانی در سطوح مختلف و به مدت طولانی با احزاب و سازمانهای چپ ارتباط داشته و از تجارب آنها در مبارزه آموخته است، رهبران این جنبش در آغاز کارگرانی بودند که دست در دست بلشویک‌های برای انقلاب جهانی همراه بودند. در سرنگونی رژیم سلطنتی نقش اساسی را بازی کردند و پس از آن با تمام شیوه‌های خونین و سرکوبگر

رژیم سرمایه داری حاکم اسلامی، احزاب، سازمان‌ها و نهاد‌های چپ، سوسیالیستی و کمونیستی با دادن هزاران کشته و زندانی، غم از دست دادن اینهمه رفیق خوب را به نیرو تبدیل ساخته و با عزمی راسخ در ادامه‌ی مبارزه، در طیفی وسیع برای تبدیل بدیل سوسیالیستی - برنامه‌ی سیاسی مرحله‌ی طبقه کارگر، برای پیوند با مبارزات جاری طبقه کارگر و توده‌ی وسیع ستمدیدگان در صحنه مبارزه حاضرند.

مبارزه جاری در جنبش کنونی چپ و کمونیستی که بسیار حاد هم هست بر سر چگونگی خدمت به جنبش عملی و در حال رشد کارگری در صحنه‌ی رودر روئی طبقاتی است. خطی هست که به نفع جنبش جهانی کمونیستی می‌پردازد، سیاست روز از نو روزی از نو را پیش می‌نهد، خود مرکز بین و فرقه گراست، رو به خارج دارد، به تهیه‌ی دوجین دوجین برنامه‌های زرق و برق مشغول است و خطی که همانطور که در بالا تاکید شد از اوضاع و تاریخ مشخص ایران، جنبش کارگری و کمونیستی ایران حرکت می‌کند و موکدن یاد آور می‌شود تئوری هنگامی سبز و جاندار است که به عمل در آید و به به امر مبارزه جاری طبقه پر افتخار و رزمنده کارگر ایران خدمت نماید. این خط وظیفه مرکزی کمونیستها را اجتماعی کردن برنامه‌ها از طریق سازماندهی سه تشکیلات اشاره شده‌ی با لا می‌داند که پنجاه میلیون خانوار بستر اصلی آنست. خدمت تمام و کمال به این خط وظیفه تخطی ناپذیر هر کمونیست و سوسیالیست انقلابی است. چنانچه احزاب و سازمانهای کمونیستی بدور از سکتاریسم و خود مرکز بینی در این مسیر تاریخساز قرار گیرند، شرائط برای یکپاشدن و بهم پیوستن مساعد شده و چنان توفانی پر قدرت بر پا خواهند کرد که سوسیالیسم را از حوزه‌های مخفی و انجمن‌های غیبی بیرون می‌آورند و به پرچم مبارزان و معترضان کارگری تبدیل خواهند کرد و آنوقت پایه‌های نظام حاکم رژیم سرمایه داری اسلامی را از ریشه خواهد کند.

دوم

سرمایه‌ی بزرگ بوروکراتیک- نظامی ایران با بکار بردن و فرقه‌های ارتجاعی مذهبی چون زالو به مکیدن خون کارگران و زحمتکشان مشغول است، چرک و خون پنجه‌هایش سراسر جامعه را به تباهی کشیده و میلیونها انسان ستمدیده‌ی دیگر از اقشار پائینی را به متحدین عینی طبقه کارگر تبدیل

کرده است. جریان رشد یابنده‌ی مبارزاتی کنونی چنان سیل توده‌ای برآه خواهد انداخت که حتی سنگ ریزه‌های وزغ پوشیده کنار آب را با سنگ‌های صیقل شده‌ی غلطان همراه خواهد کرد. هراسان از رشد روزافزون اعتراضات، مبارزات کارگران و دیگر اقشار ستمدیده، بنا بر ماهیت دوران تاریخی عصر امپریالیسم رژیم حاکم همانند رژیم سلطنتی راه تسلیم، در برابر سرمایه‌ی جهانی، بویژه انحصارات امپریالیستی و بنگاه‌های مالی جهانی را در پیش گرفته است. تلاش نظام ولایت فقیه ایران در برابر نظام‌های مذهبی و نیمه مذهبی دیگر در خاورمیانه برای بدست آوردن سهم بیشتر، بازی کردن نقش از دست رفته‌ی ژاندارمی منطقه است که در نظام سلطنتی زیر پرچم ناسیونالیسم ایرانی و نژاد آریائی جلوه می‌کرد و امروز زیر علم شیعه‌گری خود را عیان می‌کند. طبقه‌ی دارای ایران در کل و در جزء، در سطح سراسری یا محلی و قومی و ملیتی ضد مردمی است، استثمارگر است و در آخرین تحلیل همدست امپریالیسم است و به سرمایه‌ی جهانی خدمت می‌کند.

سوم

تضاد‌های اجتماعی و سیاسی جاری در منطقه، رشد روزافزون مبارزات کارگران در ایران، استثمار بیشتر کارگران و زحمتکشان و غارت و چپاول بیشتر منبع ثروت ملی ایران بیانگر این واقعیت است که راه نرمش قهرمانه در برابر اربابان امپریالیستی و روی کار آمدن حکومت اعتدال روحانی تنها برای ادامه‌ی سلطه بورژوازی و جلوگیری از انقلاب است. منظور آنها که خصوصی کردن باز هم بیشتر و سپردن سهم بزرگتر اقتصاد ایران بدست دارودسته‌های مذهبی - نظامی و بسیجی است، منظور آنها باز کردن درها به روی سرمایه‌های خارجی است که هم اکنون شاهد هجوم انحصارات یکی پس از دیگری هستیم و نه کمتر بلکه بیشتر منظورشان نگه داشتن سطح دست مزد با زور و سرکوب در پائین ترین سطح است. دولت اعتدال روحانی ابزار اساسی پیاده کردن این سیاست نرمش قهرمانه است بی برجام یا با ده‌ها برجام دیگر..

چهارم

پرسش اینست: آیا بورژوازی چه در سطح جهانی و چه در سطح منطقه‌ی ایران می‌تواند از بحران ساختاری جهان سرمایه داری به سلامت عبور کند؟ کلیه



▶ شاخص های اقتصادی حکم بر نا توانی نظام کنونی سرمایه ی جهانی دارد. در این سالهای بحران ساختاری هرچه از دست صاحبان شعور و قدرت سرمایه داری بر می آمده انجام داده اند ، نتیجه : از نا کجا آباد سر در آورده اند. امروز فاش شده است که نه تنها بحران دوهزار و هشت انگلو - آمریکائی بر طرف نشده بلکه بحران سالهای دوهزار و یازده و دوازده اروپا به دنبال آن به وسعت و عمق بحران افزوده و بحران سوم کشور های در حال رشد سریع اقتصادی در سال قبل - کشور هائی چون برزیل ، هند ، روسیه و چین ، تیر خلاص را به امید رفع بحران زده است. قرض های سرسام آور دولت ها ، پائین نگذاشتن سطح دستمزدها ، خصوصی کردن باز هم بیشتر ، باز کردن بازار های باز هم بیشتر به روی سرمایه های جهانی تک تک آنها و یا جمع آنها نتوانسته جهان را از بحران ساختاری سرمایه داری نجات دهد.

رهائی خود از بردگی دستمزدی باید آنرا براندازد وگرنه تا ابد باید تحت استثمار و ستم و بردگی سرمایه بماند . سومین نکته اینست اصول عام کمونیسم علمی همچنان معتبر است و قدرت آن در بکاربردش در عمل انقلابی است. این اصول راهنمای عمل هستند . چهارمین نکته ادامه مبارزه طبقاتی در جوامع سوسیالیستی است. پنجمین نکته تاکید روی نقطه نظر مارکس در اهمیت جهانی بودن انقلاب و دائمی بودن آنست. تجربه نشان داد انقلاب در یک کشور را باید به انقلاب به چند کشور کشاند و هدف را محدود نکرد بلکه جهان را در نظر داشت و هیچگاه تا اینکه جهان را پرولتاریا سراسر فتح نکرده از انقلاب کردن باز نیا یستاد .

وفا جاسمی .



بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه منتشر می گردد و بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران می باشد، دیگر نوشته های مندرج در نشریه رنجبر به امضا های فردی است و مسئولیت آنها با نویسندگانشان می باشد.

گرسنگی و مشکل تغذیه

آخر و بویژه در ایام عید نوروز خبرهائی بگوش می رسید که هزاران تن میوه های آلوده قاچاق برای فروش وارد بازار شهرهای مختلف ایران شده است. و همه مسئولین د ر ایران هشدار می دادند که از این نوع میوه ها استفاده نکنید و بر طبق خبرها اتاق اصناف تهران برخی از آنها را مصادره و از بین برده است. اما هیچ کس در این هیاهو علیه میوه های آلوده جوابگوی این سؤال نشد که چرا و چگونه این مقدار عظیم میوه قاچاق وارد کشور شده است .

آمارهای گرسنگی نشان می دهد که کشورهای تحت سلطه پیرامونی بیشترین آمار گرسنگان جهان را دارا هستند. بیشترین مرگ و میر های ناشی از کمبود تغذیه و یا سوء تغذیه در همین کشورها قرار دارد. بسیاری از این کشورها زیر فشارهای اقتصادی ، سیاسی و نظامی امپریالیستی بسوی اضمحلال در زمینه های مختلف تا حد از هم پاشیدگی اجتماعی قرار دارند. بسیاری از کشورهای آفریقائی که در ۳۰ سال پیش در حال حل مسائل تغذیه و کشاورزی خود بودند یا بایک جنگ

پنجم پریشی دیگر اینست : آیا پرولتاریا و طبقه کارگر راه حلی برای بیرون آمدن از این بحران دارد ؟

مگر نه براساس تحلیل های اساسی مارکسیستی سرمایه داری در مسیر تکاملی خود با بحران روبرو می شود و کارگران که گورکن آنند به میدان می آیند و برای همیشه این نظام بحران زای ضد بشری را به گورستان تاریخ خواهند سپرد. تجربه وزندگی و مبارزات همه و همه نشان داده اند که سرمایه داران به همین آسانی صحنه ی تاریخ را ترک نمی کنند. آنها با استفاده از قدرت هر روز در حال انکشاف و همه جا گیر ، تا آخرین رمق خود به مقاومت می پر دازند. درست بدین خاطر است که در پاسخ بدین پرسش باید از یک جمع بندی همه جانبه حرکت کنیم. بدون درس گیری از گذشته نمی توان بدرستی به این پرسش پاسخ گفت. نکات اساسی این جمع بندی کدامند؟ در این زمینه در این نیم قرن گذشته سخن ها زیاد بوده و امروزه هم بسیار است.

اولین و اساسی ترین نکته اینست که کمونیسم علمی که هسته ی مرکزی آن تشریح نقش ما لکیت خصوصی در نظام سرمایه داریست درست است و نظامی که براساس سود بیشتر ، استثمار انسان از انسان استوار است نمی تواند ابدی بوده بلکه بحران زاست ، جنگجو ، و سمت وسوی بربریت دارد.

دومین نکته اینست طبقه کارگر در تضاد آنتی گونیستی با این نظام است و برای



و ویرانگر و برای کشورهای استثمارکننده و یا کمپانی های فراملی دارای سود های میلیاردی، در این زمینه مثالی می زنیم. آمریکا یکی از بزرگترین تولید کنندگان مواد غذایی است. همیشه جزء کشورهای اول جهان در انحصار مواد کشاورزی است. وقتی محصولات کشاورزی با قیمت های بالا مشتری های خود را پیدا نمی کنند برای آنکه سطح قیمت ها پائین نیاید میلیونها تن مواد غذایی یا به دریا ریخته می شود و یا در خاک دفن می شوند این نوع برخورد به مواد کشاورزی در شرایطی که میلیونها نفر از کمبود تغذیه و گرسنگی در رنج و عذاب هستند. یعنی جنابیتی آشکار یعنی نسل کشی. خلاصه کنیم مشکل گرسنگی ناشی از سیستم استثماری و غارت گرانه سرمایه داری است. امکان برطرف کردن این مشکل خیلی پیچیده نیست، کافی که کشورهای معظم و کنترل کننده مواد غذایی و کشاورزی، اجازه تبادل برابر محصولات جهانی را فراهم کنند. آن وقت نه تنها مشکل گرسنگی و کشاورزی بلکه بسیاری دیگر از مشکلات هم حل خواهد شد ولی بخاطر اینکه سرمایه در خصلت خود با احساس و حقوق برابر هیچ منافاتی نداشته و فقط سود آوری بیشتر و رقابت در مد نظر دارد نه می خواهد و نه می تواند اجازه تبادل برابر محصولات جهانی را فراهم کند. این تبادل وقتی می تواند انجام بگیرد که هدف آن کمک متقابل انسان ها و کشورها به یکدیگر و نه افزایش بیشتر مالکیت بر ثروت و نیروی کار دیگران باشد. در انقلابات اجتماعی گذشته که طبقه کارگر نقش رهبری را در آنها بعهد داده است ما با کمک و تبادل آنهم نسبتا برابر در کشورهای دوست روبرو بوده ایم.

حذف

معضل تغذیه به دیگر معضلات اجتماعی
جوامع ارتباط پیدا می کند. مسئله تغذیه با
مسائل مواد غذایی، کشاورزی و آب و هوا
و خاک در ارتباطی تنگاتنگ هستند که نهایتا
توسط سیستم های اجتماعی سازماندهی و
جلو برده می شود.

در بحث تغذیه و گرسنگی موضوع آلودگی مواد غذایی هم باید طرح و دلایل آن مورد بررسی قرار گیرد.

در نیم قرن گذشته با رشد صنایع غذایی، تغییر محصولات اولیه کشاورزی به مواد غذایی آماده و فرستادن به بازارهای جوامع در حال شتاب، گسترش یافته است. در بازارها و سوپرمارکت ها دیگر مواد اولیه کشاورزی مانند میوه جات هم مستقیما از تولید به مصرف نیستند و گاه تا

در دوران برده داری، برده داران با بیگاری از برده ها ولی مسئولیت تغذیه آنها را بعهد داشتند. اما در دوران سرمایه داری گلوبال حتی این وظیفه را هم سرمایه داری از دوش خود برداشته و هیچ گونه خدماتی را به کارگران این بردگان دنیای سرمایه بر نمی نابد. وقتی به تاریخ مبارزات طبقه کارگر نگاهی می اندازیم. درمی یابیم که با انقلاب کارگری در شوروی طی مدتی کوتاه گرسنگی که با جنگ امپریالیستی بر مردم شوروی تحمیل شده از بین رفت و طبقه کارگر شوروی با سازماندهی تقسیم خواروبار و کوتاه کردن دست واسطه ها و دلالتان مشکل گرسنگی را در سطح وسیع حل کرد. اما حدود یک قرن بعد از آن انقلاب، جهان طبقاتی هنوز درگیر مشکل گرسنگی است. مشکلی که در ارتباط با سود و فوق سود سرمایه داری بوجود آمد.

سرمایه داری با محتاج نگه داشتن میلیونها نفر به لقمه ای نان همچون زالویی است که نیش های خود را برای مکیدن آخرین نیروی کار انسانی بکار می اندازد. و بعلت نتایج همین فقر است که کارگران بسیاری از کشورهای فقیر منجمله بیشتر کشورهای آفریقائی و آسیائی اجبارا با کمتر از روزی ۲ دلار کار می کنند. بزرگترین شرکت های سازنده لباس و لوازم ورزشی در بنگلادش با بوجود آوردن بیغوله ها در اطراف کارخانه ها و با دستمزدهای ناچیز، ساعات کار را افزایش داده و کمترین اعتراضی هم از طرف سازمان جهانی کار به آنها نمی شود. وقتی درآمد روزانه فقیرترین انسان های این کره خاکی ۱،۲۵ دلار است. وقتی کارگر بنگلادشی و آفریقائی با روزی ۲ دلار کار می کند ناگهان سود شرکت های دست اندرکار به میلیونها و میلیاردها دلار می رسد. تحمیل گرسنگی به مردم برای سرمایه داری دارای سودهای هنگفتی است که از قبل آن زندگی انگلی خود را می گذرانند.

شاید تعجب آور باشد که مثلا در آفریقا کشورهای دارای معادن غنی الماس و یا کبالت و غیره در اوج فقر و گرسنگی و بدبختی بسر برند. ولی مثلا برخی کشورهای اروپائی که دارای معادن و امکانات طبیعی نیستند در رفاه بسر می برند.

غارت و چپاول و استثمار سرمایه داری صرفا از یک کانال و مجرا صورت نمی گیرد. کشورهای که دارای معادن غنی هستند با ارزانترین قیمت بایستی کالاهای خود را بفروشد ولی کالاهای کشورهای صنعتی را با گرانتترین قیمت بخرند. معامله ای کاملا یک طرفه، برای کشور استثمار شونده ضررده

داخل تحمیلی روبرو شدند و یا با ایجاد مشکلات اقتصادی و یا تحریم و محاصره اقتصادی - نظامی آنها را کاملا به تسلیم به سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول کشیدند. نتایج اجرای سیاست های بانک جهانی و دیگر ارگانهای مالی امپریالیستی یعنی کم کردن کمک های دولتی و خصوصی سازی همه نهادهای اجتماعی، سیاست اقتصادی که بعکس تبلیغات فریبکارانه دارای نتایج مخرب و ویرانگری در ارتباط با صنایع و کشاورزی در اکثر کشورهای جهان بوده است. مسئله بعدی در تغذیه موضوع انحصارات و کنترل مواد غذایی در توزیع و قیمت گذاری است. کمپانیهای تولید مواد غذایی که سرمایه هایشان اساسا با بانک های بزرگ کشورهای اروپائی و آمریکائی گره خورده است. به نحوی کشاورزی و خواربار جهانی را در کنترل دارند که همیشه قیمت گذاری هایشان به نفع کشورهای ثروتمند و به ضرر کشورهای فقیر نگاه داشته شده و تحت سلطه است. این شرکت ها به هیچ چیز به غیر از سود نمی اندیشند. سرمایه داری و رهبران و حاکمین این سیستم هیچ رحم و شفقتی را بر نمی تابند. برای آنها ترحم انسانی و دلسوزی برای کودکان فقیر بی معنی است. آمارهای زیر که بیشتر از منابع دست اول سازمان ملل استخراج شده است نشان می دهد که ۲۳ میلیون کودک در آفریقا گرسنه به مدرسه می روند. ۹۸ در صد گرسنگان در کشورهای در بند پیرامونی زندگی می کنند، ۲۰ در صد از مرگ و میر های کودکان جهان ناشی از سوء و یا عدم تغذیه است در حالیکه ۸۲۱ میلیون گرسنه در کشورهای در حال توسعه هستند این آمار برای کشورهای توسعه یافته ۱۶ میلیون است. کسانی که از فقر و گرسنگی سالیانه جان خود را از دست می دهند از مجموع قربانیان ایدز و مالاریا و سل بیشتر است.

در بسیاری موارد سازمان های کمک کننده سوپاپ اطمینان همین شرکت های انحصاری هستند که برای جلوگیری از انفجارات اجتماعی و خارج شدن کنترل آن از دستشان، ظاهرا سازمان های انساندوستانه و خیر برای کمک به گرسنگان آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین روانه این کشورها می کنند. اکثر این سازمان ها وابسته با سازمان ملل و یا کلیسای کشورهای توسعه یافته سرمایه داری هستند عمده ترین آنها WFP، سازمان خوار و بار و کشاورزی (FAO) و صندوق بین المللی توسعه کشاورزی در رم هستند



یک سال در انبارها توسط موادهای شیمیایی نگه داری می شوند. مواد نگه دارنده اقلام خوراکی اعم از بسته بندی شده یا تازه آن از موادی به نام پرزنیو تشکیل شده که دارای تأثیرات جانبی از جمله حساسیت زا و غیره است. تغییر طعم خوراکی های بسته بندی شده و پروسه شده آن همراه با موادهای مختلف شیمیایی هستند که دارای ضررهای بهداشتی زیادی برای بدن هستند. تحقیقات مستقل بر مخرب بودن مواد شیمیایی ترکیب شده صنعتی با مواد غذایی تاکید دارند و با استانداردهای بهداشتی اکثر کشورها همخوانی ندارد ولی بعلمت اینکه صنایع غذایی یکی از پر سود ترین و در عین حال آسانترین راه برای تغذیه عمومی همراه با ازدیاد جمعیت است، اکثر دولت های جهان با دیده اغماض بر آن می نگرند. بطور مثال سوپر مارکت های زنجیره ای که بصورت تعداد بسیار محدود و انحصاری در تمام شهرها و محلات کشورها ریشه دوانیده اند. بارها با تقلب و دستکاری در تاریخ مفید مواد غذایی باعث بیماری های بسیار از مردم شده اند. حتی میوه های ظاهرا تازه در این سوپرمارکت های برخی مواقع سال قبل برداشت شده و در واقع بسیار کهنه و غیر قابل استفاده هستند. براه انداختن موسساتی توزیع کننده محصولات غذایی از این دست صرفا هدف فروش بیشتر و بدون در نظر گرفتن کیفیت را دنبال می کنند. کمپانی هایی مانند الدی در آلمان، کولز در استرالیا و... به آنچنان سودهایی دست یافته اند که با ادغام و یا خرید کمپانی های دیگر این رشته در حال تبدیل شدن به انحصارات بزرگی هستند.

سرمایه داری با رشد تکنولوژی در کشاورزی و باروری مواد غذایی نه تنها زندگی سالمتری را بوجود نیاورده است بلکه با استفاده از این نوع تکنولوژی ها در خدمت سود، محیط طبیعی و مواد کشاورزی و غذایی مردم جهان را به آلودگی کشیده است. امروزه حتی مواد غذایی تازه مانند محصولات کشاورزی، محصولات غذایی دریایی و محصولات گوشتی در دام پروری ها اکثرا آلوده به مواد شیمیایی از طروق تغذیه و یا آلودگی محیط هستند. جلوگیری از آلودگی مواد غذایی یک حق طبیعی انسان برای استفاده سالم از محیط طبیعی است. اما این حق اولیه انسانی همچون بسیار از حقوق مادی و معنوی انسان که توسط سرمایه داری به یغما برده شده است از بین رفته و یا در حال از بین رفتن است. مشکلات تغذیه کنونی در جهان اعم از سوء

تغذیه، آلودگی و گرسنگی یکی از پیامدهای سرمایه داری گلوبال و غارت و رقابت های امپریالیستی است. آنگاه که طبقه کارگر از طریق انقلاب، سرمایه داری سرنگون کند و بجای رقابت و سود، تامین زندگی انسانی را هدف خود قرار دهد، مشکل تغذیه به موزه های تاریخ به مثابه یکی از پیامدهای جنایتبار سیستم سرمایه داری سپرده خواهد شد.

مهران پیامی



تروریسم در اروپا

مثلی در فارسی است که می گوید. جواب های هوی است این حکایت حکومت های "دموکراتیک" اروپایی مدافع مرتجعترین گروه های اسلامی مثل داعش و... است. حکومت هایی که برای دسترسی و تامین هژمونی در خاورمیانه به هر جنایتی دست زده و می زنند. آنها با پول و اسلحه و کمک های بیدریغ از طریق کشورهای متحدشان مثل عربستان و قطر و ترکیه گروه های تروریستی مثل داعش و طالبان و القاعده را بوجود آورده اند و آنها همچون سگ های هار زنجیر گسیخته مشغول پاره کردن تمدن و انسانیت و هر چیزی که جلوی اهداف امپریالیستی و ارتجاعی شان را در خاورمیانه بگیرد، هستند.

البته صحبت از اتحادیه اروپا کردن بعنوان یک واحد سیاسی هنوز دقیق نیست بخاطر اینکه کشورهایی مانند آلمان و فرانسه و بعضا بریتانیا از تصمیم گیرنده های اصلی هستند و در درجات بعد کشورهای اروپای غربی بر اساس قدرت و نزدیکی شان به این دو الی سه کشور معظم در این اتحادیه نقش آفرینی می کنند و مسئولیت های سیاست های عمومی اتحادیه اروپا را بعهده گرفته و جلو می برند. اکثر ساختارهای اتحادیه اروپا هم تحت سیطره همین چند قدرت معظم اروپایی هستند. البته اتحادیه اروپا بعد از فروپاشی شوروی به مثابه یک قطب امپریالیستی پر قدرت در حال سر بلند کردن است و در بسیاری از سیاست های جهانی نه تنها با روسیه بلکه با آمریکا بعنوان یک متحد قدیمی جنگ سرد دارای تضادهای بسیار عمیقی بر سر غارت و استثمار جهان هستند. ولی اتحادیه اروپا بویژه در مقطع کنونی با آمریکا بر سر مبارزه با روسیه و محدود کردن قدرت آن توافق دارند. آنها

برای جلوگیری سیاست هایشان علیه رقبا از چندین دهه قبل شروع به تقویت اسلام به عنوان یک ایدئولوژی ارتجاعی در خاورمیانه و تغییر رژیم های خاورمیانه ای با رژیم های مذهبی کردند. اما سیاست تغییر حکومت های مذهبی هنوز سیاست های غرب را برای کنترل کشورهای خاورمیانه بطور کامل تامین نمی کرد به همین دلیل آنها دوسیاست دیگر را همپای مذهبی کردن رژیم های خاورمیانه جلو برده اند. ۱ - برپائی جنگ داخلی و تجزیه کشورهای بزرگ به کشورهای کوچک ۲ - ایجاد اپوزیسیون های هرج مرج طلب و بشدت مرتجع و فاشیست برای بهم ریختن شالوده ای اجتماعی. برای پیاده کردن دوسیاست بالا فقط عقب مانده ترین نیروهای تاریخی و مذهبی قادر به حضور در این بازی جنایت بار امپریالیستی شدند.

همه اسناد و مدارک موجود در رابطه با گروه های اسلامی نشان می دهد که غرب در سازماندهی و قدرتمند کردن آنها دخالت مستقیم داشته است. در واقع غرب با بوجود آوردن این گروه های تروریستی اسلامی آنها را به شمشیر داموکلس علیه دولت ها ملل و کارگران و زحمتکشان کشورهایی با پیشینه اسلامی تبدیل کرده است. زمانی که غرب مشغول سازماندهی و کمک به دامن زدن به اسلام بود و گروه های تروریستی اسلامی را حمایت می کرد. بسیاری از حکومت های دیکتاتور سکولار مانند صدام حسین و شاه مشغول زد و بند با روحانیت کشورهای خود علیه کمونیست و نیروهای مترقی و انقلابی بودند. فروپاشی شوروی و تنفر عمومی از این حکومت های دیکتاتوری و نیز دخالت های امپریالیست ها از عواملی بودند که به رشد و گسترش گروه های تروریستی کمک های مستقیم و غیر مستقیم زیادی کردند. اگر چه بعلمت عقب ماندگی فکری، گروه های اسلامی هیچ جاذبه ای برای روشنفکران این کشورها نداشت و به علت اینکه نیروهای انقلابی و مترقی نسبت به این نیروها متوهم بودند ولی آنها به هیچ وجه قادر به تأثیر در اوضاع سیاسی بدون کمک امپریالیست ها نبودند. این کمک از تبلیغات و پروپاگاندای جهانی مانند دفاع از خمینی تا راه حل نظامی و اشغال مانند عراق و لیبی و افغانستان به طور پیگیرانه جلو برده شد.

وقتی امپریالیست ها با تکیه به نیروی نظامی برخی کشورهای خاورمیانه و آفریقائی را اشغال کردند. بطور مستقیم سعی به سازماندهی نیروهایی مانند القاعده



طالبان، داعش و غیره نمودند. آنها پرچمی را که خمینی در اشغال سفارت آمریکا برای فریب مردم به دست گرفت، با سایه و روشنانهایی به گروههای فوق دادند تا سمت مبارزات ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری مردم را تغییر داده و آنها را به دست نیروهای مرتجع و فاشیست اسلامی بسپارند. روشن است که جلو بردن چنین سیاست های ضد مردمی با مقاومت وسیع در کشورهای گوناگون خاورمیانه روبرو شد. این مقاومت ها با شقاوت های هیتلری در هم کوبیده شد، نتیجه آن میلیون ها کشته، آواره، زخمی و بی خانمانی است که امروز به دست نیروهای نظامی امپریالیست های غربی و یا گروههای مرتجع اسلامی انجام گرفته است.

در این رشد اسلام گرایی برخی کشورهای مرتجع خاورمیانه آتش بیار معرکه ای شده اند که در آینده حساب آنها به خلق های خاورمیانه پس خواهند داد. عربستان و اردن و ترکیه و قطر و ایران در راس آنها قرار دارند. امپریالیست ها به این دیکتاتوری خاورمیانه توهمات هژمونی طلبانه ای را خوراندند که در دوران نوین غیر واقعی و دور از دسترس است. به هر حال بعد از ۲۰ سال کمک به رشد اسلام گرایی و تحقیر کشورهای دربند پیرامونی و نیز شکست انهدام کامل خاورمیانه به مثابه واحدهای پرقدرت سیاسی و حتی اقتصادی و شکست های بزرگ نیروهای اسلام گرا مانند داعش و النصره و غیره. غرب در حال سازماندهی این نیروهای مرتجع از طروق دیگر است. امروز زمینه اجتماعی این نیروهای اجتماعی در حال از بین رفتن است به همین دلیل غرب سعی به زنده نگه داشتن آن به هر نحوی دارد. از یک سو روشن است که مفهوم زنده نگه داشتن یک نیروی متشکل سیاسی از طریق پراتیک دائمی آن می گذرد. از سوی دیگر غرب با پذیرش صدها هزار پناهنده آواره از جنگ در خانه خود زمینه انسانی برای تغذیه سیاسی اسلام را حفظ خواهد کرد.

در نتیجه بمب گذاری ها در کشورهای اروپائی و انتصاب دائم آن به داعش آنها به نیرویی که از عمر آن بیش از ۵ سال نمی گذرد ولی در همه دنیا در حال انجام عملیات تروریستی محیرالعقول است و باز هم عجیب تر در کشورهای اروپائی که قدم به قدم مردم از طریق ارتباطات اینترنتی و دوربین های مدار بسته در خیابان و بیابان در هر لحظه در کنترل ماموران امنیتی هستند. بیشتر نه به یک شوخی بلکه به فریب

افکار عمومی نزدیک است. برخی نیروها با مطرح کردن این مسئله که امپریالیست ها بویژه آلمان، فرانسه و انگلستان آتشی برپا کرده اند که دامن خودشان را گرفته است، به خودفریبی و یا بهترین حالتش نگاه ساده انگارانه دست زده اند. تروریسم در اروپا یک کار نقشه مند و با هدف دلگرمی دادن به نیروهای شکست خورده اسلامی و نیز بهانه جوئی برای دخالت در کشورهای دربند پیرامونی است. برای امپریالیست های اروپائی خلع سلاح گروههای اسلام گرا از آسیا تا شاخ آفریقا و غیره کار مشکلی نیست. تروریسم در اروپا با سیاست های سرکردگان دول اروپائی همخوانی داشته و در خدمت اهداف سیاسی آنهاست. به غارت بردن منابع کشورهای اسلامی و بهم ریختن شالوده های اجتماعی در این کشورها همیشه با مستمسک های مسخره ای همراه بوده است که فقط با تکیه به مدیا و رسانه های مزدور جلو برده شده است. تروریسم در اروپا به نفرت عمیقی نه تنها از مسلمانان بلکه از مردم کشورهای جهان سومی دامن خواهد زد که آبخور سیاست های آینده کشورهای امپریالیستی نیز خواهد بود. امروز چه بهانه ای بهتر از "دفاع از خود و علیه تروریسم" برای حمله و به ویرانی کشیدن کشورهای مخالف ضعیف. امپریالیست های غربی هنوز هم در خاورمیانه و شاخ آفریقا از تروریسم حمایت می کنند ولی همین تروریسم خود بهانه ای برای تشویق حمله به "تروریسم" در کشورهای دیگر بدون هیچ دلیل و مدرکی است. آنها جهان را به طرف قانون جنگل می کشانند. و حقوق بشر و اجازه از سازمان ملل و دادگاههای بین المللی ایزاری برای پیشبرد سیاست های تجاوزگرانه آنهاست. به گلوله بستن و کشتن انسان های بیگناه، بمب گذاری در خیابانها فقط فشار به دولت ها نیست بلکه ناامن کردن جامعه است و ایجاد خشونت عنان گسیخته و تنفر قومی، ملی و مذهبی، بین پناهنده و انسان بومی، به ویرانی کشیدن اقتصاد و فرهنگ و غیره است. تروریسم باید محکوم شود ولی نه فقط در کشورهای اروپائی، تروریسم به مثابه یک خشونت کور باید در همه جای جهان محکوم شود. این محکومیت نباید فقط زبانی باشد. آیا این تروریست ها در اروپا همان هائی نیستند که هرروز از دولت های اروپائی و آمریکائی هزاران تن اسلحه و پول و اطلاعات در نقاط مختلف جهان دریافت می کنند.

شاید سال ها پیش تروریسم عملی مربوط به نیروهای اپوزیسیون در یک کشور بود، اما

امروزه شاهد آن هستیم که برخی دولت ها خود مستقیماً به تروریسم متوسل می شوند. اینکه ارتش ترکیه هزاران کرد را در حمله به شهرها کردستان ترکیه می کشد با آنکه بمب گذاری می کند چه فرقی دارد. آیا دولت های اروپائی که به داعش و جبهه النصره کمک می کنند و یا یک کشور را اشغال کرده و میلیون ها نفر را کشته و زخمی و آواره و بی خانمان می کنند دولت های تروریستی نیستند. آنها هر چه که سعی می کنند که مفاهیم جداگانه ای برای اعمال خود و گروههایی مانند داعش و القاعده و ... پیدا کنند بیشتر دست به افشای خود می زنند. دولت های اروپائی و آمریکا از تروریسم خوب و بد حرف می زنند. آنها می خواهند توجیه گر اعمال تروریستی خود تحت عنوان تروریسم خوب در سرتاسر جهان باشند. آنچه واقعی است نه لفاظی های دولت های اشغالگر در خاورمیانه بلکه برخورد با

و یا بلاواسطه آنها با تروریسم است. بعد از سپتامبر ۲۰۱۱ آمریکا تحت عنوان دفاع از خود افغانستان را اشغال کرد. صدها هزار کشته و زخمی و جنگ داخلی، کشوری ویران از خود بجا گذاشت، حضور دائمی آمریکا در آنجا نتیجه آن است. بعد از عملیات تروریستی در پاریس فرانسه جنگنده های خود را تحت عنوان مبارزه با داعش روانه سوریه کرد و هزاران بمب بر سر مردم سوریه ریخت. کشورهای امپریالیستی تحت عنوان ائتلاف مبارزه علیه داعش در یکی دو سال گذشته نه تنها علیه داعش مبارزه واقعی را جلو نبردند بلکه با کمک به گروههای تروریستی در حال اشغال کامل خاک سوریه بودند. آنها قصد داشتند که سوریه را به لیبی و افغانستان و عراق دیگری تبدیل کنند. شکست آنها در این سیاست اساساً به مفهوم کنار گذاشتن حمایت آنها از تروریسم و گروههای تروریستی نیست. تروریسم یکی از ابزارهای سیاست امپریالیستی در شرایط کنونی در اکثر کشورهای مخالف جهان است. بمب گذاری های تروریستی در اروپا ادامه این سیاست ها با روش های دیگر است.

مناسفانه برخی گروههای سیاسی تروریسم را خطر عمده می بینند و برخی دیگر اسلامگرایی را در حالیکه اینها ابزار بکار برد سیاست های امپریالیستی هستند. خطر عمده جهان کنونی امپریالیست ها و سیاست های خانمان برنوازشان است. جهان سرمایه و امپریالیست ها در حال شکل دان به قطب های جدید برای مقابله با رقبا هستند. رقابتی که بر سر نیروی کار کارگران



و زحمتکشان جهان و دسترسی و کنترل بازارهای اقتصادی و غارت کشورهای دربند پیرامونی در جریان است. برای رهایی از تروریسم، اسلامی گرائی و هزاران بلیه و توطئه های گوناگون، باید به ریشه مسئله که عقب راندن امپریالیست ها و حکومت های مرتجع است از سر جوامع است دست برد. فردا در برملا شدن کامل نقش امپریالیست ها و اسلام گرا ها، آنها می توانند نیروهای مرتجع دیگری را به جلوی صحنه سیاسی جوامع پیرامونی بفرستند. امروز تروریسم عمدتاً نشانی از اسلام گرائی دارد. اما تروریسم کاری متعلق به جریانات اسلامی صرف نیست و همه نیروهای مرتجع که علیه مردم و در دفاع از سرمایه موضع دارند می توانند به اهرمی تروریستی تبدیل شوند. در شرایط کنونی جهان سرمایه این امکان را دارد که بطور دائم سیاست ها و تاکتیک های جدیدی (آنهم بعلت نبود آلترناتیوهای مترقی اجتماعی) را بکار بگیرند. آیا نازی ها در آلمان و فاشیست ها در ایتالیا سربلند نکردند، آیا در بحران سرمایه داری کولوسکالانها کمتر از نازی ها در آمریکا بودند. آیا حکومت های نظامی آمریکای لاتین مذهبی بودند؟ تغییر اشکال سیاسی و گروه بندی های ضد انقلابی و مرتجع به مثابه کارت های بازی های کثیف امپریالیستی همیشه در تاریخ سرمایه داری بویژه در شروع قرن بیستم وجود داشته و همانطور که آموزگار بزرگ پرولتاریا در تحلیل سرمایه گفت " امپریالیسم یعنی جنگ و تجاوز و تقسیم مجدد کره زمین "

در نگاهی به تاثیرات تروریسم در اروپا مسائل متعددی به چشم می خورد یکی از آنها رشد نظامی گری و سرکوب امنیتی جامعه و آمادگی فکری برای سرکوب هر اعتراضی تحت عنوان مبارزه با تروریسم است. امروز کارگران اروپائی ناشی از بحران ساختاری نظام جهانی سرمایه سر به اعتراض بلند کرده اند. سرمایه گلوبال بدون حضور یک بحران سیاسی در جامعه نمی تواند بدون هیچ بهانه ای دست به سرکوب خواسته های کارگران و پس گیری دست آوردهای اجتماعی و خدمات ناشی از آن بزند. آزاد گذاشتن تروریست های دست ساز غرب این امکان را برای سرمایه داری در کشورهای اروپائی فراهم می کند که بدون دغدغه جنبش های اجتماعی مورد حمله قرار داده و به نابودی بکشند. در واقع تروریسم در اروپا علیه طبقه کارگر اروپا و جهان عمل می کند اشک تمساح حاکمین اروپا نباید هیچ نیروی آگاهی را دچار توهم

و دوگانگی در رابطه با اهداف تروریسم و نیروها و سیاست های پشت پرده آن بکند. طبقه کارگر اروپا برای پیمودن راه مبارزه علیه سرمایه و درهم شکستن آن نمی تواند خود را درگیر تضاد اسلام گرائی و ناسیونالیست های کشورهای اروپائی بکند. این مبارزه بین جناح های مختلف سرمایه برای ایجاد تعادل سیاسی به نفع خودشان است. راه طبقه کارگر از افشاء بی امان تمامی این نیروهای مرتجع و همبستگی جهانی کارگری می گذرد.



۸۳ درصد ثروت... بقیه از صفحه آخر

تقریبی مشابه سالهای قبل است. براساس گزارش موجود در اواسط سال ۲۰۱۴ میلادی ثروت هر فرد بزرگسال در دنیا برابر با ۵۶ هزار دلار آمریکا بود در حالی که در سال ۲۰۱۲ م ثروت هر بزرگسال در دنیا برابر با ۵۰ هزار دلار بوده است. از اواسط سال ۲۰۱۳ میلادی تاکنون ثروت هر بزرگسال در دنیا ۳۴۵۰ دلار رشد کرد که این بیشترین رشد درآمد هر بزرگسال از آغاز رکود اقتصادی دنیا تاکنون بوده است.

بازارهای مسکن و سهام راهی برای رشد ثروت

ثروت اندوزی در هر دوره به فاکتورهای متفاوتی وابسته است، اما آنچه که مسلم است این امر ارتباط تنگاتنگی با رشد اقتصادی، نرخ پس انداز و دیگر فاکتورهای اقتصادی و جمعیت شناختی کشورهای جهان داشته و دارد. با این همه، این موضوع در حال حاضر در مناطق مختلف دنیا بیش از هر چیز به تحرکات نرخ ارز حساس است، این فاکتور سبب شده تا آمریکا که همواره به عنوان ارزشمندترین مالک بازار سرمایه در دنیا در صدر فهرست جای داشت در سال ۲۰۱۴ میلادی در جایگاه هفتم دنیا پس از آلمان، کانادا و فرانسه قرار گیرد. در این گزارش آمده است، افزایش ارزش سرمایه در کشورهایمانند آلمان، کانادا و فرانسه افزون بر ۳۰ درصد بوده و رشد بازار سرمایه در کشورهای هند و نیوزیلند برابر با ۴۰ درصد و در کشورهای دانمارک، ایتالیا و اسپانیا برابر با ۵۰ درصد و در آرژانتین برابر با ۶۵ درصد بوده است.

در این گزارش مشخص است که افزایش ارزش بازار سرمایه در کشورهای ژاپن و روسیه در سال گذشته دارای رشد

متوسط ۱۰ درصدی بوده است؛ اگرچه کشور مکزیک و شیلی در این سال شاهد کاهش ارزش بازار سرمایه بودند. براساس این مطالعه در سال ۲۰۱۴ م ارزش بازار سرمایه در کشورهای اوکراین، اندونزی، ترکیه و شیلی نیز به طور متوسط ۱۰ درصد تنزل یافته است. در این بین مسکن فاکتور دیگری است که در سالهای اخیر به عنوان منبع جدید ثروت اندوزی در کشورهای جهان مورد توجه واقع شده و هرگونه تحرکات این فاکتور روی جریان ثروت اندوزی در جهان موثر است، به طوری که سال ۲۰۱۴ م متوسط قیمت مسکن در دنیا ۴/۲ درصد رشد کرد که به طور تقریبی برابر با نرخ رشد قیمت مسکن در کشورهای آلمان و هند بود. مالکان مسکن در کشور چین نیز شاهد افزایش ۸ درصدی قیمت مسکن بودند در همین حال قیمت مسکن در کشور استرالیا ۸ درصد و در انگلیس ۹ درصد رشد کرده است. به طوری که تمامی این کشورها رشد بیشتری از متوسط نرخ رشد قیمت مسکن در دنیا را شاهد بودند.

میزان ثروت کشورهای مختلف

در سال ۲۰۱۴

تازهترین آمارهای مجمع جهانی اقتصاد نشان می دهد، سرانه خالص ثروت هر فرد بزرگسال در جهان در سال ۲۰۱۴ رقمی معادل ۵۶ هزار دلار بوده، رقمی که تا این لحظه بالاترین سرانه ثروت بزرگسالان در دنیا به حساب می آید. اما با این همه سرانه ثروت بزرگسالان در کشورهای مختلف تفاوت زیادی با یکدیگر دارد. ثروتمندترین کشور دنیا از نظر سرانه ثروت هر بزرگسال کشور سوئیس است. سرانه ثروت هر بزرگسال در این کشور از مرز ۵۰۰ هزار دلار نیز بیشتر است.

افزایش ارزش دلار آمریکا در کنار تقویت بازار سهام در این کشور موجب شد در سال گذشته سرانه ارزش ثروت هر بزرگسال در این کشور اروپایی به ۵۸۱ هزار دلار برسد که رکوردی بی سابقه در دنیاست. دومین کشور در این رده بندی کشور استرالیا است که در سال ۲۰۱۳، ۲۰۱۴ میلادی سرانه ثروت در آن برابر با ۴۳۱ هزار دلار بود و سپس نروژ با ثروت سرانه ۳۵۹ هزار دلاری در جایگاه سوم و آمریکا با ثروت سرانه ۳۴۸ هزار دلار در جایگاه چهارم قرار داشت.

سرانه ثروت در کشور سوئد در نیمه اول سال ۲۰۱۳ تا انتهای نیمه اول سال ۲۰۱۴ میلادی برابر با ۳۳۳ هزار دلار و در کشور فرانسه برابر با ۳۱۷ هزار دلار و در انگلیس برابر با ۲۹۳ هزار دلار



کرده است - سیاستهای آشغال: به صورت **آشغال در آوردن افکار عمومی آمریکائی**. این سیاستها ست که به جای روشن ساختن موضوعات به مسائل و مصالح (منافع)، شخصیت و نتیجه اخلاقی می دهد. این سیاستها ست که تهدید خارجی را به حد اکثر می رساند، در حالیکه مشکلات و مسائل بخرنج و عظیم داخل کشور را به حد اقل می رساند. این سیاستها ست که حدس و گمانه زنی ها را در مورد سود و زیان خود هدایت می کند، ناگهان مواضع مردم را بدون توضیح برعکس جلوه می دهد، اغلب به طور نمایشی غیر عادی موضوعاتی را که در گذشته به حد اقل رسیده بودند را بزرگ جلوه می دهند (به عنوان مثال، عراق بیش از دو روز یا چند هفته کارش تمام می شود: عراق پروژه ایست برای نسل ها). این سیاستها ست که تغییر ناپذیری را به عنوان علت اساسی می ستاید - تغییر ناپذیری به معنی حالت بلا انقطاع در فرآیند و کنش هایی که دهه ها پس از دهه ها، موجودیت را تقویت می کند، برتری سیستم های اجتماعی/اقتصادی آمریکا را بهم ارتباط می دهد. این سیاستها نه تنها توسط بی صبری و بی تابی (جعلی و یا در غیر این صورت) مناقشه با مهارت بیان شده توسط مدیحه سران، مکرر بر روی روحیه خوش بینانه شهروندان آمریکائی و شخصیت های شایان تقلید، علامت گذاری شده، بلکه با علاقه ای (احساساتی) کسل کننده برای حرکات محسوس درد و زبان ویژه شما. او در ادامه: - « اهداف و انگیزه فراوان - آنها هنوز هم وجود دارند - آنها، خود از آگاهی راسخ و پایدار ماده اصلی بی عدالتی تغذیه می کنند. بی تأثیر کردن آگاهی یک پروژه مرکزی سیاستهای آشغال می شود. » دموکراسی قانونی در قانون اساسی ما مرده است. این قانون اساسی دیگر کارائی ندارد. یا ترجیحا برای ما کارائی ندارد. طوری ست که هیچ سیاست مداری یا منتخب رسمی نمی تواند هیچ ماده ای را تغییر دهد. در طول حاکمیت دولت جورج دبلیو بوش و باراک اوباما بر روی تقریباً هر موضوع تداوم یا استمرار کامل وجود داشته است. در واقع اگر اوباما میراثی داشته باشد، میراثی ست که همه چیز را تدریجا بدتر کرده است. او تجاوز به آزادیهای مدنی، گسترش جنگ های امپریالیستی - از جمله قدرت دادن به دولت به منظور ترور شهروندان آمریکائی - و شروع حفاری های جدید در اراضی مختلف که متعلق به مردم می باشد (مثل این که او سارا پیلن -ایالت آلاسکا -

در اختیار این کشورهاست. اما در کشورهای افریقایی و کشور هند سهم ثروت منطقه به ثروت دنیا، یکدهم سهم جمعیت منطقه به کل جمعیت جهان محاسبه شده است.

نگاهی به فهرست کشورهای متوسط

کشورهای دارای ثروت متوسط کشورهایایی هستند که ثروت هر بزرگسال در آنها بین ۲۵ تا ۱۰۰ هزار دلار است. برخی از کشورهای اروپایی مانند پرتغال و اسلوانی در ابتدای این فهرست قرار دارند در حالی که کشورهای دیگری که به تازگی به جرگه اقتصادهای عضو اتحادیه اروپا اضافه شده اند از قبیل استونی، چک، مجارستان، لهستان و اسلوواکی در انتهای این فهرست قرار دارند.

کشورهای دارای ثروت متوسط از نظر سطح ثروت بالاتر از کشورهای بحرین، عمان، لبنان و عربستان سعودی قرار دارند و بازارهای در حال گذار آسیا و امریکای لاتین هم دارای ثروت سرانه ای کمتر از متوسط سرانه ثروت دنیا هستند. این رده از کشورها بزرگترین بخش از کشورهای دنیا را در بر گرفته اند و بیشتر کشورهای پرجمعیت دنیا در این دسته قرار دارند؛ کشورهایی مانند چین، روسیه، برزیل، مصر، اندونزی، فیلیپین و ترکیه که همگی دارای ثروت سرانه ای بین ۵ تا ۲۵ هزار دلار امریکا هستند. از طرف دیگر شمار زیادی از بازارهای در حال گذار در اروپا که به عضویت اتحادیه اروپا درنیامده اند و بیشتر کشورهای امریکای لاتین در این رده قرار دارند. آخرین گروه از کشورهای مورد مطالعه را می توان کشورهای دانست که دارای ثروت سرانه کمتر از ۵ هزار دلار امریکا هستند و بیشتر این کشورها در افریقای مرکزی و جنوب آسیا واقع شده اند.



قبرستان خبگان ... بقیه از صفحه آخر

جلوه دادن ظلم و ستم شرکتهای عظیم استفاده می شود. آنها نمی توانند - و نمی خواهند - جنگ های پیوسته و بی هو ده را به پایان برسانند، دولت امنیتی و نظارتی را تخته کنند، از تخریب سوخت فسیلی جلوگیری کنند، از طبقه درنده بانکها و مالی بین المللی جلوگیری کنند، مردم آمریکا را از فقر نجات دهند و دموکراسی را تثبیت کنند. آنها ضد سیاست ممارست می کنند، یا آنچه بنیامین دموت می گوید: « سیاستهای آشغال دموت، این اصطلاح را در کتابش تعریف

► بوده است. در سال ۲۰۱۴م با وجود افزایش ۵۶۰۰ دلاری ثروت هر بزرگسال در کشور سنگاپور، جایگاه این کشور از نظر سرانه ثروت جهانی ۳ رتبه تنزل یافت و در رتبه دهم فهرست جهانی قرار گرفت. براساس این گزارش ثروت در کشور استرالیا در سال مورد مطالعه برابر با ۲۲۵ هزار دلار بود و در ۵ سال گذشته در شرایط بهتری نسبت به بلژیک قرار داشت. در این سال سرانه ثروت در کشور بلژیک برابر با ۱۷۳ هزار دلار امریکا بود و سرانه ثروت در کشورهای ایتالیا، فرانسه و انگلیس برابر با ۱۳۰ هزار دلار امریکا برآورد شده بود. در این گزارش کشورهایایی که سرانه ثروت در آنها افزون بر ۱۰۰ هزار دلار امریکاست در جرگه کشورهای ثروتمند دنیا قرار گرفته اند و کشورهایی که سرانه ثروت در آنها کمتر از ۵ هزار دلار است در جرگه کشورهای فقیر هستند. این مطالعه همچنین نشان می دهد، سرانه ثروت در کشور ایران کمتر از ۵ هزار دلار امریکاست و در این رده بندی ایران جایگاه چندان خوبی ندارد.

توزیع ثروت در جهان

توزیع ثروت در جهان براساس مقایسه سهم ثروت خانوارهای هر منطقه با سهم جمعیت بزرگسال آن محاسبه می شود. در این نقشه امریکای شمالی منطقه ای است که بالاترین ثروت متوسط جمعیت بزرگسال جهان را به خود اختصاص داده است. سهم ثروت این منطقه در سال ۲۰۱۴م به کل ثروت دنیا برابر با ۷/۳۴ درصد بود در حالی که اروپاییان با داشتن جمعیت بیشتر تنها دارای سهمی معادل ۴/۳۲ درصد از کل ثروت جهان بودند.

سهم ثروت در کشورهای آسیا و پاسیفیک نیز از کل ثروت دنیا برابر با ۹/۱۸ درصد بود ولی در این مطالعه ثروت ۲ کشور چین و هند در نظر گرفته نشده است. این منطقه دارای جمعیتی معادل ۷/۲۳ درصد جمعیت دنیاست. اختلاف بین جمعیت و ثروت در دنیا در سال های اخیر بیش از پیش نمایان شده است. با وجود تحولات اقتصادی در یک دهه گذشته به ویژه در میان کشورهای درحال توسعه آسیا، کشور چین که ۴/۲۱ درصد از کل جمعیت دنیا را در خود جای داده تنها ۱/۸ درصد از کل ثروت دنیا را در اختیار دارد. این نسبت در کشورهای امریکای لاتین هم کموبیش مشابه است. به این مفهوم که کشورهای امریکای لاتین ۵/۸ درصد از کل جمعیت دنیا را در خود جای داده اند ولی تنها ۵/۳ درصد از ثروت دنیا



► بود)، را سرعت بخشیده است. او قادر به مهار وال استریت که مشغول سازمان دهی بحران مالی جهانی دیگر است و سیستم مراقبت های بهداشتی ما را در بست در اختیار شرکت های درنده خو قرار داده، نشده است. او جنگ علیه مهاجرین را شروع کرده است و ناظر فروپاشی اقتصادی در میان فقرا، مخصوصاً آمریکائی های آفریقایی تبار بوده است. به نظر می رسد او قادر به خاتمه دادن به مرکز شکنجه در گوانتانامو نیست - ابزار استخدام نیرومند برای جهادی ها (تروریست های اسلامی) - و یا قادر به جایگزین کردن قانون گذار جدید در دیوان عالی نمی باشد. جانشین او نیز به همان اندازه قادر نخواهد بود.

در حال حاضر، او با ما به عنوان عضو ممتاز نخبگان حاکم آمریکا به یک ثروتمند تبدیل خواهد شد، درست مثل کلینتون قبل از ترک دفتر ریاست جمهوری. سران بانکها و انحصارات چند ملیتی امپریالیستی هزینه هر دو کتابخانه وابسته به ریاست جمهوری ش را خواهند پرداخت - پروژه های بیهوده و مضحک آنها او را عضو هیئت مدیره خواهند کرد و به او سخاوتمندانه دستمزدهای نجومی برای سخنرانی ها خواهند پرداخت. اما، به عنوان یک رهبر دمکراتیک، او ثابت کرده است که به همان اندازه رقت انگیز است که سلف او بود.

شلدون وولین در "دمکراسی ترکیب شده: می نویسد: «دمکراسی مدیریت شده و تخیلی از توتالیتریسم معکوس»، «اگر هدف اصلی خدمت به قانون گذاران طرفدار مبلغین درون دستگاه دولتی به منظور شکل دادن به سیاستها ست، چنین سیستمی سزاوار نام "دولت نمایشگر قلابی یا دلال" می باشد.» «این سیاست در وهله اول و هم زمان یک عامل کمک کننده قدرتمند به سیاست زدائی از شهروندان می باشد و هم چنین به عنوان دلیلی برای توصیف سیستم به عنوان یک سیستم ضد دمکراتیک می باشد.»

وولین ادامه می دهد، «دموکراسی مدیریت شده»، «استفاده از مهارت های مدیریتی برای نهاد اساسی دمکراتیک سیاسی در انتخابات عمومی است. یک انتخابات مشخص و متمایز شده از عمل ساده رای گیری، به یک تولید پیچیده و بغرنج تغییر شکل داده است. مثل تمام امور تولیدی، این ادامه دارد و نیاز به نظارت مستمر بجای مشارکت مداوم مردمی است. انتخابات مدیریت نشده به چیزی که ممکن است در آینده رخ دهد تمرکز می دهد: کابوس

رفتار کردن با هیئت انتخاب کنندگان، خراب کردن بچه های رای دهنده با شادمان کردن آنها از داستانهای کریسمس در طول سال، ایجاد شهروندان دارای عقاید فوق العاده، از نظر اخلاقی بیهوده و از نظر احساساتی غیر قابل بازگشت «می نامد. او، با سیاستهای اشغال این جهان نوشت: «تمایزات بین اصول بنیادی دمکراتیک و استعاره فرح بخش زینتی از بین رفته است.»

او می نویسد: «دستگاه دولت قانونی و سازمانهای حزبی ظاهراً دست نخورده زنده باقی می مانند». هم چنین، «در طول زمان، هرچند، زبان عدالت و بی عدالتی به گوش آدم های معمولی به عنوان لاتینی (بی معنی) و غیر مصطلح خطور می کند - موعد دفن آن فرا می رسد - و دلبستگی آنها به اشکال کهنه و قدیمی سستی و ضعف ادامه می یابد.»

هیچ کدام از این منتخبین در کاخ سفید، کنگره آمریکا، مجلس نمایندگان و پایتخت های ایالتی قدرتی ندارند، و آنها همگی این واقعیت را می دانند که نمی توانند شرکت های مخرب کشور را به چالش بکشانند. خشم توده ای و ناامیدی که بر علیه قدرت تثبیت شده نخبگان در طول این کمپین انتخاباتی افزایش یافته، مطمئناً بیشتر خواهد شد، هم چنان که آمریکائی ها، به خصوص با رئیس جمهور جدید در کاخ سفید، پی خواهند برد که صدای آنها و رای آنها بی معناست. آمریکائی های سفید پوست و خرافاتی که مثل گله به سمت دانالد ترامپ آمدند، همراه با تمام لیبرال های خود فروخته ای که از هلاری کلینتون حمایت می کنند، درس سختی در مورد ماهیت حقیقی سیستم ما از «توتالیتریسم (۱) معکوس» خواهند گرفت. آنها در شرف پی بردن به این واقعیتند که ما دارای یک طبقه «یغما گر عظیمی» هستیم. این یغما گران بسیار بزرگ، مردم فقیر که در حاشیه خیابانهای محله ها قدم می زنند نیستند. آنها در شرکتهای عظیم منحصر به فرد از ممتاز و قدرتمند سکنی گرفتند.

وولین ادامه می دهد: «نمی توان نهاد های موجود اعم از کنگره آلوده به لابی، سیستم قضایی و کیفری مبتنی بر طبقه نخبه، ریاست جمهوری امپریالیستی و انتخابات مهندسی شده آلوده به پول یا دست کم رسانه های آنها را دمکراتیک توصیف کرد.»

شرکتهای انحصاری عظیم، سه قوه را کاملاً کنترل می کنند. همین شرکتهای قوانین را دیکته می کنند. شرکتهای روایت یا

مدیریتی از رفتارهای غیر منطقی و خشن در کنترل. یکی از روشهای مطمئن کنترل این است که انتخاباتی پیوسته و کاری در طول سال، اشباع شده با تبلیغات حزب، تأکید شده با فضیلت داده شده مداوم به دانشمندان، آوردن نتیجه ای خسته کننده بجای انرژی زاء، نوعی از سستی و بی میلی مدنی است که دمکراسی مدیریت شده رونق می یابد. «برنی سندرز، کسی که حد اقل اذعان به واقعیت های اقتصادی ما می کند و حاضر به قبول پول از شرکتها برای انتخابات ریاست جمهوری نیست، نقش دلقک دادگاه حزب دمکراتیک را بازی می کند. بدون شک او یک عضو چنین دادگاهی باقی خواهد ماند، او پیمان شکنی، خیانت و هم کاری با قدرت شرکتها را که او با ما نمایندگی می کند را محکوم خواهد کرد. او می پذیرد که انتقاد از امپراتوری تابو (حرام) شمرده می شود. او به کار خود ادامه می دهد، با این که نخبگان حزب در برگزیدن کاندید ها برای انتخابات رئیس جمهوری علیه او عمل می کنند، بطور مسخره ای صحبت از مشارکت دمکراتیک می کند، یعنی دمکرات ها را به عنوان ابزاری برای تغییر معرفی می کند. او به زودی خواستار این خواهد شد تا هوا داران خود به هلری کلینتون رای دهند، به عبارت دیگر، او بطور فعال به عنوان مانعی برای بسیج سیاسی و مدافعی برای رخت (بی حالی) سیاسی کار می کند. سندرز، که وعده یک انقلاب سیاسی می دهد به همان قدر تو خالی است که رقابت شعارهای انتخاباتی اوست، برای دورویی و تزویرش پاداش خواهد گرفت. او اجازه خواهد داشت تا ارشدیت خود را در کمیته های پارلمانی حزب دمکرات حفظ کند. حزب دمکرات کمپینی را در ورمانت درست نمی کند تا او را از مجلس سنا خلع کند. او هرگز، برخلاف رالف نادر مورد تنفر قرار نخواهد گرفت. اما او، مانند هرکس دیگر در استقرار این سیستم، ما را به فروش خواهد رساند.

کل چرخه انتخابات کارناوالی ست، پر از سرو صدا و هیجان شدید و به هیچ چیز نیز اشاره نمی کند. این غرایز، رشوه خوارترین و حریص ترین افراد جامعه را برآورد می سازد. این نمونه ای از عمیق ترین بدبینی (تمایل به این باور که انگیزه مردم صرفاً منافع شخصی ست) است در میان نخبگان که مانند همه هنرمندان فریبکار، در خفا ما را به خاطر ساده لوحی و بی ریایی مورد تمسخر قرار می دهند. با ما مثل بچه نرم و قابل انعطاف برخورد می شود. دیموت، این برخورد نخبگان به مردم را «بچه گانه





محتوای رسانه ها و بحث های مابین مردم را تعیین می کنند. شرکتها آموزش عمومی را به یک سیستم تلقین یا تسخیر مغزها تبدیل کرده اند. شرکتها از جنگ دائمی، حبس همگانی، سرکوب و پامال کردن دستمزد ها، نا چیز و نا مرغوب نگه داشتن مراقبتهای بهداشتی سود می برند. شرکتها تحریم مالیاتی برای خود را سازماندهی کرده اند. شرکتها «ریاضت کشی» را مطالبه و به مردم اعمال می کنند. قدرت شرکتها عظیم غیر قابل بحث می باشد، و حرکت این قدرت عظیم رو به جلو درست مثل جریان مواد مذاب آتشنشانی ست.

هسته های ویرانی و تخریب شرکتها عظیم، به هر حال، در ساختار درونی آن تعبیه شده است. نخبگان هیچ محدودیت داخلی و خارجی ندارند. آنها استثمار خواهند کرد، با مهارت در تمام برنامه های اجرائی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دستکاری خواهند کرد، دروغ و ظلم و ستم روا می دارند تا اینکه آنها خلاء ایده نولوژیک ایجاد کنند. هیچ کس، اما کند ذهن ترین، از جمله ندیمان که خود را از واقعیت جدا کرده اند، با خشم، بیهودگی های ایده نولوژی نولیبرال را ادا می کنند. و در آن نقطه، سیستم از درون منفجر خواهد شد. شورش ممکن است از جناح راست باشد. ممکن است لایه های سنگین فاشیسم را در بر داشته باشد. ممکن است تبدیل به دولت پلیسی بسیار ترسناک شود. اما، این شورش است در حال وقوع و مسلم. پوچی این انتخابات این را ثابت می کند.

برای بررسی بیشتر می توانید به تارنمای زیر مراجعه کنید.

<http://www.informationclearinghouse.info/article44329.htm#sthash.48QLrpF7.dpuf>

۱ - Totalitarianism - رژیم حکومت متمرکز در یک قدرت مرکزی

تاریخ صدوپانزده ساله ... بقیه از صفحه آخر

تقلیب و باکو با سوسیالیست های آن شهرها، از جمله نریمانوف رابطه نزدیک دوستی برقرار ساخت. علی مسیو به زبان فرانسه آشنائی داشت و چون در سخنرانی های خود به تاریخ انقلاب فرانسه اشاره می کرد، در میان مردم به "علی مسیو" (۱۰) مشهور شده بود. به جز علی مسیو که رهبر "مرکز غیبی" بود، رسول صدقیانی، محمد علی

تربیت، علی دوافروش، ابوالحسن حکاک باشی، علیقلی گنجه ای، علی اکبر سراج و یوسف خز دوز از دیگر اعضای شاخص این سازمان بودند. آنها در جریان اوجگیری انقلاب مشروطیت نه تنها از طریق "مرکز غیبی" و "انجمن تبریز" در پیشبرد اهداف مشروطیت فعالیت کردند بلکه با ایجاد مدارس مدرن و همچنین انتشار نشریات دوره اول مشروطیت، خدمات ارزنده ای به انقلاب مشروطیت ایران نمودند.

در جریان نیمه اول سال ۱۹۰۷ وقتی که اعضای رهبری "مرکز غیبی" که در واقع اعضای اصلی فرقه اجتماعیون - عامیون را در تبریز تشکیل می دادند، متوجه شدند که ضد انقلاب به نفع تزار، انقلاب ۱۹۰۵ روسیه را سرکوب کرد، در نتیجه پیش بینی کردند که برای حفظ مشروطیت در ایران، بازوی نظامی خود را در تبریز به وجود آورند که توسط آن بتوانند در آینده بر علیه حرکت احتمالی ضد انقلاب از طرف نیروهای استبداد به مقاومت برخیزند. بر همین اساس اعضای رهبری "فرقه اجتماعیون-عامیون" به ایجاد بازوی نظامی "مرکز غیبی" تحت نام "مجاهدین" اقدام کردند. ارگان رسمی آن نیز "مجاهدین" نام داشت که به مدیریت سید محمد شبستری با لقب ابوالضیاء، در بیست و دو شماره، به طور مرتب در سال ۱۲۸۵ در شهر تبریز با همکاری حاجی میرزا آقا بلوری انتشار یافت. سید محمد شبستری پیش از مشروطیت روزنامه "الحدید" را در تبریز منتشر می ساخت و در انتشار روزنامه "عدالت" نیز با سید حسین خان همکاری داشت.

مجاهدین تحت رهبری علی مسیو و با کمک رهبری سوسیال-دمکرات ها پس از پیروزی مشروطیت موفق شدند حاکمیت را در شهر تبریز کسب کنند و بدین سان "فرقه اجتماعیون-عامیون" (سوسیال دمکرات ها) تا زمان کودتای محمد علیشاه قاجار در تیرماه ۱۲۸۷ خورشیدی (۱۹۰۸ میلادی) با برپائی "انجمن تبریز" در تبریز حکومت می کرد.

"فرقه اجتماعیون-عامیون" در دوره اول مشروطیت از مرداد ۱۲۸۵ تا تیرماه ۱۲۸۷ خورشیدی، تنها حزب متشکل در کشور ایران بود که پس از استقرار حاکمیت خود در تبریز، در اکثر شهرهای ایران نیز شاخه و کمیته های حزبی خود را برای دفاع و حفظ ارزش های انقلاب مشروطیت به وجود آورد. در آن دوره مناطق شمالی ایران به علت موقعیت جغرافیائی ویژه ای که داشتند، مانند آذربایجان، خراسان، مازندران

و گیلان بیشتر از دیگر استان های ایران با اندیشه های سوسیال-دمکراسی آشنا شدند. اواخر سال ۱۲۸۴ خورشیدی (۱۹۰۵ میلادی) در مشهد نوشته ای به نام دستور نامه "حزب سوسیال دمکرات ایران" از طرف مشروطه طلبان انقلابی به تصویب رسید. در واقع این دستور نامه برای ایجاد تشکلی جهت همسو کردن مبارزات اقشار مختلف توده های مردم که در انقلاب مشروطیت منافع مشترکی داشتند، نوشته شد. ولی در سال ۱۲۸۶ خورشیدی مرامنامه و اساسنامه جدیدی که نسبت به دستور نامه قبلی مترقی تر بود به نام "جمعیت مجاهدین" در شهر مشهد به تصویب رسید که در موارد بسیاری شبیه برنامه "سازمان همت" بود. در این اساسنامه بیان میشود که این تشکل دارای شاخه های مختلفی در تهران، اصفهان و رشت است و هدف اصلی آن پشتیبانی از مجلس اول و قانون اساسی است، در حالی که خود را بخشی از حاکمیت نیز می داند. متون "دستور نامه" سال ۱۲۸۴ و "دستور العمل" (نظامنامه) سال ۱۲۸۶ خورشیدی که ترجمه های روسی آنها در نشریه "بایگانی سرخ" و در نشریه "مسایل تاریخ و ادبیات کشورهای خارجی شرقی"، (چاپ مسکو، ۱۹۴۱) منتشر شده اند، به مثابه یگانه سند اساسنامه ای موجود برای بررسی اصول سازمانی و تکامل تاریخی حزب سوسیال-دمکرات ایران، دارای اهمیت ویژه ای هستند. (۱۱)

یکی دیگر از معروفترین تشکل های این دوره که تحت رهبری فرقه، فعالیت می کرد، "کمیته بین الطلوعین" بود که با کمک حیدر خان عمواغلی در تهران به وجود آمد که اعضای آن اسدالله خان ابوالفتح زاده، داودخان علی آبادی، سید محمد کمره ای، سید عبدالرحیم خلخالی، سید جلیل اردبیلی، میرزا سلیمان خان میکده، حاج ابراهیم تبریزی، مشکوة الممالک، میرزا قاسم خان صدر، سید حسن تقی زاده و شیخ محسن نجم آبادی بودند.

"کمیته انقلاب"، سازمان مخفی دیگری بود که در آستانه انقلاب مشروطیت برای پیشبرد اهداف انقلاب در تهران به وجود آمد و برخی از اعضای آن همچون ملک المتکلمین با "فرقه اجتماعیون-عامیون" رابطه تشکیلاتی داشتند و اعضای رهبری آن ملک المتکلمین، سید جمال واعظ، محمد رضا مساوات، سلیمان خان میکده، یحیی دولت آبادی، نصرت السلطان، شیخ رئیس قاجار، سید اسدالله خرقانی و میرزا محسن، برادر صدرالعلماء بودند. این کمیته در



دوره اول انقلاب مشروطیت از طریق رهبری "انجمن ملی" به طور مخفی رهبری جنبش مشروطیت را در تهران رهبری می کرد. هدف این کمیته حمایت از مشروطیت و حفظ و حراست از مجلس اول بود و بعضی از رهبران این کمیته ضمن اینکه رابطه نزدیکی با شاخه های "فرقه اجتماعیون-عامیون" در شهرهای مختلف ایران داشتند، با اعضای رهبری سوسیال دمکرات های روسیه (بخش باکو) و سازمان "همت" در ارتباط تنگاتنگ بودند.

ملک المتکلمین، عضو فعال کمیته "بین الطلوعین"، "کمیته انقلاب" و "انجمن ملی" در تهران بود. ملک المتکلمین و یاران نزدیک او انجمن ملی را برای ایجاد وحدت و تمرکز فعالیت های مشروطه خواهی میان انجمن های متنوع و متعددی که در سال های ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۷ خورشیدی در تهران مشغول فعالیت بودند، به وجود آوردند. این انجمن که در آغاز انقلاب مشروطیت در سال ۱۲۸۴ خورشیدی با ۶۰ نفر تأسیس شد، به طور مخفیانه با انتخاب ۹ نفر از میان اعضاء، کمیته انقلاب را بوجود آورد. مهدی ملک زاده (پسر ملک المتکلمین) که در دهه ۱۳۳۰ خورشیدی با نگارش تاریخ جامع انقلاب مشروطیت در شش جلد به عنوان یک مورخ سیاسی معروف شد، گزارش می دهد که پدرش ملک المتکلمین و تعدادی از یارانش از جمله میرزا جهانگیر خان، مدیر روزنامه "صور اسرافیل"، سید محمد رضا مساوات، مدیر روزنامه "مساوات" و سید جمال واعظ، یکی از سه نویسنده معروف کتاب جنجال برانگیز و تاریخی "رویای صادقانه" و پدر نویسنده نامی قرن بیستم ایران، سید محمد جمال زاده، در دوره اول انقلاب مشروطیت (۱۲۸۷-۱۲۸۴ خورشیدی) از طریق انجمن ملی، کمیته انقلاب و کمیته "بین الطلوعین" به طور پنهانی رهبری جنبش مشروطه را در تهران در دست داشتند. "فرقه اجتماعیون-عامیون ایران" به غیر از شهرهای تبریز، مشهد و تهران در دیگر شهرهای ایران نیز شاخه های خود را دایر کرد و با ایجاد مراکز غیبی و انجمن های متعدد خدمات ارزشمندی جهت پیشرفت انقلاب نمود.

در شهر رشت "انجمن مجاهدین" یا "فرقه مجاهدین رشت" به عنوان شاخه "فرقه اجتماعیون-عامیون ایران" فعالیت می کرد. در ضمن در شهرهای رشت و بندر انزلی مراکز غیبی به سبک مرکز غیبی تبریز به وجود آمدند که در روند انقلاب نقش کلیدی داشتند. مهم ترین مرکز غیبی به نام "کمیته

ستار" در شهر رشت مستقر بود؛ این کمیته پس از کودتای محمد علیشاه علیه مشروطیت در سال ۱۲۸۷ رهبری مقاومت و مبارزه علیه ضد انقلاب را در استان گیلان در دست داشت. رهبری کمیته ستار و قیام رشت در دست سردار محسنی، معروف به معزالسلطان بود. (۱۲)

در بندر انزلی نیز "فرقه اجتماعیون-عامیون"، سازمان محلی خود را به نام "فرقه مجاهدین انزلی" در سال ۱۲۸۶ خورشیدی (۱۹۰۷ میلادی) تشکیل داد. بسیار جالب است که اعضای رهبری فرقه رشت و انزلی در کشاکش دوره دوم انقلاب مشروطیت (۱۹۱۱-۱۹۰۹) به کمک یک انقلابی و بلشویک به نام گریگوری (سرگو) اورژنیکدزه موفق شدند که برای اولین بار کتاب "مانیفست کمونیست" اثر کارل مارکس و فردریک انگلس را به فارسی ترجمه کنند. اورژنیکدزه از بلشویک های اهل گرجستان بود که پس از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ (۱۲۹۶ خورشیدی) مشهور شد. وی در پاییز سال ۱۲۸۸ به شهر رشت سفر کرد و تا آغاز زمستان ۱۲۹۸ در ایران زندگی می کرد. م.س. ایوانوف، ایران شناس معروف شوروی، در کتاب "انقلاب ۱۹۱۱-۱۹۰۵ ایران" می نویسد "بنا به ابتکار اورژنیکدزه، انجمن انترناسیونال در شهر رشت تأسیس گردید که کارگران، روستائیان و پیشه وران در جلسه های آن شرکت می کردند."

اورژنیکدزه توسط میرزا کریم خان، برادر معزالسلطان، به رشت دعوت شده بود، چندی پس از ورود به ایران، با پیشنهاد مشهدی عزیز بیگ اف، یکی از پایه گذاران سازمان "همت" در باکو در ۱۲۸۳ و همچنین از اعضای کمیته مرکزی "فرقه اجتماعیون-عامیون ایران"، به عضویت کمیته مرکزی فرقه برگزیده شد. (۱۳)

بی تردید "فرقه اجتماعیون-عامیون" بر سایر تشکلات از جمله انجمن ها، شوراها و مرکز مخفی و غیبی برتری تشکیلاتی و سازمانی داشت؛ چه از لحاظ خط مشی و چه به لحاظ اهداف تبیین شده و نیز اعضای آگاه و پویا که به طور چشمگیری پیشرفته تر و منسجم تر از تشکلات دیگر در سال های ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۷ خورشیدی، در صحنه سیاسی ایران محسوب می شد. بدیهی است که ارتباط با انقلابیون روسیه از جمله حزب سوسیال دمکرات روسیه (جناح بلشویک) از یکسو و فعالیت های مؤثر برخی از رهبران "فرقه اجتماعیون-عامیون ایران" از سوی دیگر موجب می شد که مبارزات فرقه نسبت

به بقیه گروه ها جلوه ای دیگر داشته باشد. یکی از افرادی که در ایجاد "فرقه اجتماعیون-عامیون" به عنوان یک حزب سراسری ایران در سال های ۱۲۸۳ تا ۱۲۸۷ نقش فعالی داشت، حیدر خان عمواغلی بود. حیدر عمواغلی از اوایل سال ۱۲۸۰ در شهر باکو فعالیت می کرد و همواره همراه کارگران و روشنفکران مهاجر ایرانی بود، ولی بر اثر تعقیب پلیس تزاری آنجا را ترک کرد و در سال ۱۲۸۲ به درخواست مظفرالدین شاه برای تأسیس کارخانه برق شهر مشهد به تهران آمد. (۱۴) او در سال ۱۲۸۴ به تهران رفت و هسته های هفت نفری "فرقه اجتماعیون-عامیون" را تشکیل داد و با "مرکز غیبی" شهر تبریز و رهبری فرقه در شهر باکو ارتباط تشکیلاتی برقرار کرد. بیشتر اعضای شاخه تهران، روشنفکران بودند که پس از مدتی در تاریخ تحولات اجتماعی کشور ایران نقش تعیین کننده ای در زمینه های مختلف ایفا کردند. ملک المتکلمین از مبارزان مشهور مشروطیت و پدر مهدی ملک زاده (مورخ معروف)، سید جمال واعظ، اصلاح طلب و "پان اسلامیت" میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل، صادق طاهباز، محمد علی تربیت، سلیمان میرزا اسکندری، علی اکبر دهخدا، سید کمره ای، اسدالله خان کردستانی (نماینده مجلس اول) و میرزا آقا، مدیر روزنامه "عصر انقلاب" از اعضای شاخه تهران بودند.

حیدر عمواغلی در سال های ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۵ خورشیدی چندین بار به اروپا سفر کرد و در همین سفرها بود که فن ساختن بمب و استفاده از آن را فرا گرفت. وی در آغاز سال ۱۲۸۶ (۱۹۰۷ میلادی) دوباره به ایران بازگشت و به طور فعال در انقلاب مشروطیت شرکت نمود و در جریان سال ۱۲۸۶ تحت رهبری ستارخان، سردار انقلاب مشروطیت، فرماندهی نیروهای انقلابی در ناحیه شهرهای خوی تا ماکو را به عهده داشت. یکی از کارهای جالب حیدر عمواغلی در آن زمان حل مشکل نان در شهر خوی بود. محتکران که طرفدار محمد علیشاه و ضد مشروطیت بودند، گندم و آرد را انبار کرده بودند تا به گرسنگی و شرایط فلاکت بار مردم دامن بزنند تا آنها در انقلاب شرکت نکنند.

حیدر عمواغلی با حمایت و همکاری ستارخان و با کاردانی و جانفشانی خویش در مدت کوتاهی که بیشتر از ده روز طول نکشید مشکل نان را در شهر خوی و کل منطقه با هوشمندی به نفع مردم حل



کرد و محترمانه را وادار ساخت که گندم را در اختیار مردم قرار دهند. مردم نیز برای او ترانه ای ساختند و بدینگونه از وی قدردانی کردند که خیلی زود بر سر زبان ها افتاد و سپس بسیار معروف شد:

(به ترکی آذربایجانی)

(به فارسی)

عمو اوغلی گلدی خویا

عمو اوغلی به خوی آمد

خویولارا قرار قویا

برای خوئی ها قرار و مدار گذاشت

یتیمترین قارنی دویا

تا شکم یتیمان همه سیر شود

یاشاسین گوزل عمو اوغلی

زنده باد عمو اوغلی خوب

خدمات درخشان حیدر عمو اوغلی در جهت پیشرفت انقلاب مشروطیت در دوره دوم و همچنین نقش او در ایجاد "حزب کمونیست ایران" دارای بسی اهمیت است.

در شماره آینده این نشریه بعد از بررسی فعالیت های شاخه آذربایجان "فرقه اجتماعیون - عامیون" به چند و چون شکل گیری چشم گیر اتحادیه های کارگری در دوره اول انقلاب مشروطیت خواهیم پرداخت.

پی نویس های توضیحی

۹- "تاریخ مشروطه ایران"، چاپ سال ۱۳۴۰ ، صفحه ۱۹۴:

مشهدی اسماعیل میابی، مشهدی محمد علیخان وحاجی خان به نام "مجاهدان قفقازی" در شهر تبریز معروف شدند. آنها طبق گزارش کسروی در کتاب "تاریخ مشروطه ایران" چون از قفقاز آمده بودند و عادت داشتند که "خود رخت قفقازی به تن کنند به آن نام خوانده گردیدند و گرنه از خود ایرانیان می بودند." این سه تن همراه با دیگر فرستادگان سازمان "همت" چون افرادی مجرب و دارای "روحیه خدمت به خلق بودند در بیشتر مواقع "پیشگام می شدند و راه به دیگران می نمودند و ... به آگاهانیدن مردم می کوشیدند." طبیعی است که حاکمین محلی (طرفداران محمد علی میرزا، ولیعهد ایران) از فعالیت و محبوبیت این مبارزان سخت به وحشت افتادند و بخشی از علمای مذهبی آنان را بی دین خواندند. ولی بیشتر آزادیخواهان مشروطه طلب به آنان احترام می گذاشتند و از حضور فعال آنان در انقلاب مشروطیت استقبال کردند.

۱۰- کربلانی علی موسیو همراه دیگر آزادیخواهان از جمله میرزا علی اصغر خوئی و آقا محمد سلماسی در جریان انقلاب سال ۱۲۸۴ خورشیدی، به طور مخفی شبنامه هایی تنظیم و تهیه کرده و سپس با ژلاتین

چاپ و در میان مردم به صورت گسترده ای پخش می کردند. در دوره اول انقلاب در سال های ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷ خورشیدی، علی مسیو به عنوان رهبر انجمن ملی و مرکز غیبی ، خدمات زیادی به جنبش مشروطیت ایران کرد. در دوره "استبداد صغیر" قوای محمد علیشاه با حمایت قزاق های روس پس از تسخیر شهر تبریز منزل علی مسیو را در محله نوبر، تاراج کردند ولی او موفق شد که از محاصره دشمنان مشروطیت فرار کرده و به خانه ستارخان در محله امیر خیزی پناه ببرد.

۱۱- این اساسنامه که تحت نام "دستور نامه" و یا "دستور العمل حزب سوسیال دمکرات های ایرانی" منتشر شد، از این لحاظ دارای اهمیت ویژه ای است که مراحل تحول اصول تشکیلاتی فرقه اجتماعیون - عامیون را به روشنی آشکار می ساخت. این "دستور نامه" (نظامنامه) که در نسخه نخستین (چاپ ۱۲۸۴) شامل ۱۴ ماده و در نسخه دوم (چاپ ۱۲۸۶) به ۴۷ ماده افزایش و تنظیم شده بود، سوسیال دمکرات های ایران را به رموز و لزوم فعالیت های سیاسی در حوزه های خصوصی (مخفی) و حوزه های آزاد (علنی) آشنا ساخت که تعداد اعضای هر حوزه خصوصی را به هفت الی یازده عضو محدود می نمود.

۱۲- مهدی ملک زاده، "تاریخ مشروطیت"، تهران، ۱۳۳۸، جلد دوم- صفحات ۲۸-۱۷:

نیروهای نظامی محمد علیشاه با حمایت و رهنمود رهبری قزاقان روسی (شاپشال و لیاخوف) پس از کودتای تیرماه ۱۲۸۷ (۲۴ ژوئن ۱۹۰۸) و استقرار "استبداد صغیر"، ملک المتکلمین، سید جمال واعظ و میرزا جهانگیر خان را بازداشت، شکنجه و در باغشاه تهران به دار آویختند.

۱۳- احمد کسروی، "تاریخ هیجده ساله آذربایجان"، تهران- ۱۳۴۰، صفحات ۲۷-

۱۵: حاج حسین آقا اسکندرانی و آقا گل اسکندرانی، بیرم خان، میرزا محمد علی خان مغازه، علی محمد خان تربیت، میرزا حسین خان کسمائی و میرزا کریم خان، برادر معزالسلطان از دیگر اعضای مؤسس و فعال "کمیته ستار"، به خواست ستارخان که گاهی می گفت: "ای کاش یک شهر دیگری می شوریید تا محمد علی میرزا نمی توانست همه نیروی خود را بر تبریز بیازماید" در اوایل سال ۱۲۸۸ خورشیدی جامعه عمل پوشانند. سوسیال دمکرات های جناح بلشویک قفقاز که به کوشش میرزا کریم خان (برادر معزالسلطان) از قفقاز به گیلان آمده بودند، در تشکیل و گسترش فعالیت های کمیته ستار و چندی بعد در تسخیر قزوین و سپس تهران نقش بسزائی ایفا کردند.

۱۴- گ.ک. اورژنیکوزه "مجموعه مقالات و

سخنرانی ها"، چاپ مسکو، ۱۹۵۶:

اورژنیکوزه در تمام مدت فعالیت خویش در ایران به ویژه در رشت که نزدیک به یک سال (۱۲۸۹-۱۲۸۸) طول کشید، با لنین رابطه و مکاتبه داشت. از نامه ای که او در تاریخ ۱۴ خرداد ۱۲۸۹ (۴ ژوئن ۱۹۱۰ میلادی) به لنین نوشته معلوم می شود که در آن سال ها نشریات مارکسیستی (بلشویکی) به مقصد ایران فرستاده می شد و به طور وسیعی در شهرهای مختلف ایران بین اعضای فرقه اجتماعیون - عامیون ایران و دیگر انقلابیون مشروطه طلب پخش می شد. اورژنیکوزه به لنین می نویسد: در باره آن شماره از ارگان مرکزی (منظور نشریه "سوسیال - دمکرات" ارگان مرکزی حزب سوسیال دمکرات روسیه - جناح بلشویک هاست) که ارسال آن را در خواست کرده بودم، در انزلی دریافت می کنم؛ لذا ارسال دوباره آنها برای من لزومی ندارد.



به تارنما های اینترنتی
حزب رنجبران ایران
مراجعه کنید
و نظرات خود را
در آنها منعکس کنید!

سایت حزب رنجبران
www.ranjbaran.org

سایت آینه روز
www.ayenehrooz.com

سایت خبرنامه کارگری
www.karegari.com

سایت رنجبر آنلاین
www.ranjbaran.org/01_ranjbaron-line

سایت آرشیو روزنامه رنجبر
<http://www.yudu.com/library/16050/Ayeneh-Rooz-s-Library>

۸۳ درصد ثروت جهان در اختیار ۹ درصد جمعیت

گذشته ۲۰ هزار میلیارد دلار رشد کرده که بیشترین نرخ رشد سالانه ثروت از سال ۲۰۰۷ میلادی تاکنون بوده است. روندی که به اعتقاد تحلیلگران اقتصادی نتیجه بازگشت سلامت به بازارهای مسکن دنیا و افزایش قیمت سهام بیشتر شرکتها در بازارهای سهام جهانی است.

بدون شک این نخستین بار در طول تاریخ است که ارزش ثروت خانوارهای دنیا از مرز ۲۵۰ هزار میلیارد دلار می‌گذرد و به ۲۶۳ هزار میلیارد دلار می‌رسد. اگرچه متوسط ثروت در دنیا در سالهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴م با سرعت کمتری رشد کرده ولی تصویر کلی رشد ثروت خانوارها به‌طور

زهره رجب‌نیا - گروه تجارت: آخرین آمارهای مجمع جهانی اقتصاد گویای این واقعیت است که در حال حاضر کمتر از ۹ درصد از جمعیت جهان، بیش از ۸۳ درصد ثروت این کره خاکی را در اختیار دارند.



خبری که از رشد سریع ثروت جهانی حکایت دارد و نشان می‌دهد اقتصاد دنیا با وجود اینکه در سالهای اخیر تصویری پرچالش و بحرانی را پشت‌سر گذاشته اما مانع افزایش ثروت خانوارهای جهان هم نشده است. این آمارها همچنین نشان می‌دهد، ارزش ثروت دنیا در یکسال

قبرستان نخبگان - توسط کریس هجز - ماه مارس ۲۰۱۶

گفتمان های کلیشه ای مبتذل وطن پرستی و مذهبی، گرایش به سمت احساسات، پادو مقدس نما در خوی و شخصیت آمریکائی، مقدس سازی نظامی گری و تندى، و به دست انداختن های جوانان، سقوط کرده است. در این جا واقعیت آنچه که در جامعه می‌گذرد پشت سر گذاشته شده است.

سیاستمداران کمی بیش از با براند هستند. آنها به طرز ماهرانه ای شخصیت های جور و وا جور به مردم غالب می کنند. این شخصیت های مصنوعی برای انسانی

گویند، و به خاطر توانائی اشان برای بکار گرفتن خشونت زیاد دولتی با امنیت کاذب احاطه شدند، آنها آخرین کسانی هستند که بالاخره پی خواهند برد که جهان پر امتیاز آنها توأم با حق ویژه اشان از درون در حال انفجار است.

ویلفردو پارتو، جامعه شناس ایتالیایی نوشت: " تاریخ، قبرستان اشرافیت است. "

کارناوال انتخابات ریاست جمهوری یک نمایشی از عوارض عمیق از تزویر است کهگریبانگیر جامعه آمریکا شده است.

Truth Dig
صاحبان قدرت مطلقه با غرور و گستاخی شان کورو مست شده ند، قادر به تعیین محدودیت در استثمار طبقه تنگ دست نیستند، برای توسعه امپراتوری فراتر از ظرفیتی که دارند، به رشد و توسعه این شرایط ادامه می دهند و هم چنان معتاد به خوش گذرانی، نمایش و ثروت، احاطه شده توسط نیم چه تیز هوش ند یمانی - آلن گرینسپن، توماس فرید من، دیوید بروکس و دیگران - که به آنها آن چیزی را که می خواهند بشنوند می

تاریخ صدوپانزده ساله ی احزاب و سازمان های چپ متعلق به جنبش

های سوسیالیستی، کارگری و کمونیستی ایران (از ۱۲۸۰ تا ۱۳۹۵ خورشیدی)

که به وسیله آن به "انجمن تبریز" که امور انقلاب مشروطیت را اداره می کرد کمک رساندند.

کربلائی علی مسیو، یکی از تجار روشنفکر و رادیکال بازار تبریز در آغاز قرن بیستم بود. او در آستانه انقلاب مشروطیت در تبریز کارخانه بشقاب سازی چینی دایر کرد و در طی سفرهای متعدد خود به استانبول و

مشروطه طلبان در روند مبارزاتشان علیه استبداد کمک نمایند. مشهدی اسماعیل، مشهدی محمد علیخان و حاجی خان (۹) پس از ورود به آذربایجان ایران، "فرقه اجتماعيون - عاميون" (حزب سوسیال دمکرات) را در شهر تبریز تشکیل دادند و پس از برقراری ارتباط تشکیلاتی با علی مسیو به ایجاد "مرکز غیبی" اقدام کردند

فصل دوم: جنبش های سوسیال - دموکراسی و کارگری در عصر مشروطیت (قسمت دوم)
فرقه اجتماعيون - عاميون

در سال ۱۹۰۵ سازمان "همت" به یاری سوسیال - دمکرات های باکو تعدادی از اعضای خود را به ایران فرستاد تا به

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی نشریه رنجبر:

ranjbar.ranjbaran@yahoo.com

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.info@yahoo.com

آدرس غُرفه حزب در اینترنت:

www.ranjbaran.org